

فرا تحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مطالعات شهر ایرانی - اسلامی



ابوالفضل مشکینی*

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

حسن بهنام مرشدی**

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

محسن محمدی***

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۲/۰۶

چکیده:

شهر ایرانی - اسلامی انگاره‌ای است که به دلیل تداخل فرهنگی، سوالات بسیاری در باب چیستی، ماهیت و ویژگی‌های آن مطرح بوده است و نظام‌های علمی گوناگون، از زوایای مختلف بدان پرداخته و تلاش در تبیین و تشریح آن داشته‌اند؛ که نشانگر حجم بالایی از سوءتعبیرها و آشفتگی‌ها درباره این انگاره و مفاهیم، موضوعات و اهداف مرتبط با آن است. از سویی ورود اندیشه مدرنیسم در فرهنگ و ادب ایرانی، علاوه بر نمود ذهنی، نمود عینی خود را در کالبد شهرهای ایرانی با معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی وارد نمود است؛ و عناصر کالبدی موجود شهر ایرانی اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده است و موجب از دست دادن هویت، انسجام و پایداری شهری شهر ایرانی - اسلامی شده است که وجود مطالعات بسیار در این زمینه گویای اهمیت این موضوع می‌باشد. هدف این پژوهش فراتحلیل مقالات با موضوع شهر ایرانی - اسلامی، برای ارائه جمع‌بندی و دسته‌بندی یافته‌ها از آخرین تلاش‌های علمی انجام گرفته در ارتباط با موضوع و بررسی نظریات به کار گرفته شده در این پژوهش‌ها می‌باشد. بدین سبب این مقاله در چارچوب فراتحلیل کیفی - که یکی از برترین کوشش‌های محققان برای غلبه بر نارسایی‌ها و تعارضات پژوهش‌ها در علوم اجتماعی است - با شناسایی ۹۲ مقاله علمی - پژوهشی به شیوه تمام‌شماری نمونه‌های در دسترس به تحلیل و بررسی مطالعاتی در زمینه شهر ایرانی - اسلامی پرداخته است؛ چرا که نتایج این نوع پژوهش‌ها از یک سو به معرفی کامل همه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع می‌پردازد و باعث پرهیز از دوباره کاری می‌شود و از سوی دیگر با ترسیم توانایی‌ها و کاستی‌های پژوهش‌ها، افق‌های پژوهشی جدیدی را به روی پژوهشگران می‌گشاید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های مطالعات شهر ایرانی - اسلامی که مورد توجه بیشتر پژوهشگران واقع شده‌اند عبارت‌اند از معنا و مفهوم شهر ایرانی - اسلامی؛ ویژگی‌های تاریخی سازمان فضایی حیات شهری شهر ایرانی اسلامی؛ اصول، قواعد و الگوهای شهر ایرانی اسلامی؛ هویت شهر ایرانی اسلامی؛ فضای شهری شهر ایرانی اسلامی؛ تحولات اجتماعی - فرهنگی در شکل‌بندی و ساختار فضایی شهر ایرانی - اسلامی؛ تأثیرات مدرنیسم بر شهر ایرانی اسلامی؛ وقف و در نهایت، عناصر کالبدی شهر ایرانی - اسلامی از قبیل: محله، مسجد، میدان و بازار، که در دو بعد هستی‌شناسی (تأکید بر ابعاد وجودی) و چیستی‌شناسی (تأکید بر ابعاد ماهوی یا کالبدی) قابل تفکیک می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: شهر ایرانی - اسلامی، شهر ایرانی، شهر اسلامی، فراتحلیل کیفی، مقالات علمی.

* meshkini@modares.ac.ir

** behnammorshedi@modares.ac.ir

*** mohamadi.m@modares.ac.ir



مقدمه

زمانی پس از آنکه ماکس وبر (۱۹۱۹) اعلام کرد که وظیفه علم افسون‌زدایی از جهان است، بونس و هارتمن (۱۹۸۵) از افسون‌زدایی فزاینده از علم سخن گفتند (فلیک ۱۳۹۰، ۱۴). منظور از افسون‌زدایی از علم، افسون‌زدایی از روش‌ها و یافته‌های آن است. امروزه تعدد روش‌های مورد استفاده و تعدد نظریات ارائه شده در حوزه‌های مختلف علمی و کثرت نتایج حاصل که گاه متناقض همدیگر نیز هستند؛ ایجاب می‌کند که با یک نگاه جامع به ادبیات نظری حوزه‌های مختلف پژوهشی نگریسته شود تا اولاً از پیچیدگی موضوع کاسته شده و از غرق شدن پژوهشگر در دریای اطلاعات، نظریات و نتایج مختلف خودداری گردیده و در گام دوم موجبات ارتقای کیفی پژوهش‌ها را فراهم نماید (زیاری و همکاران ۱۳۹۳ الف). این افسون‌زدایی در خصوص مطالعات شهر ایرانی-اسلامی نیز صادق می‌باشد و بیش از یک قرن است که موضوع شهر اسلامی و در ادامه موضوع شهر ایرانی-اسلامی به صورت نظام‌مند و تقریباً علمی، با اهداف گوناگون مورد توجه علاقه‌مندان، اندیشمندان و پژوهشگران مختلف قرار گرفته‌است. مطالعه شهر ایرانی-اسلامی در تقاطع نظام‌های علمی مختلف قرار گرفته و طیف وسیعی از پژوهشگران شامل تاریخ‌دانان، معماران، جغرافیدانان، زبان‌شناسان، شرق‌شناسان، شهرسازان، اسلام‌شناسان، برنامه‌ریزان شهری و... به مطالعه شهر ایرانی-اسلامی و ویژگی‌های آن پرداخته و با توجه به دامنه وسیع پژوهشگران در این عرصه، لزوم دسته‌بندی این پژوهش‌ها، هم با هدف شناخت روندهای اصلی در این عرصه و هم به منظور شناسایی خلأهای پژوهشی مربوطه ضروری می‌نماید؛ چرا که یکی از مشکلات اساسی که در این زمینه وجود دارد و لازمه‌ی رفع آن، آسیب‌شناسی مطالعات مربوط به شهر اسلامی به صورت عام و در زمینه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی به صورت خاص می‌باشد؛ تناقض‌ها و اختلاف‌نظرهای عمده و معتابه‌ای است که در کنار تعدد و حجم عظیم مطالعات بوجود آمده است. این شرایط، پژوهشگران این حوزه را دچار نوعی ابهام و سردرگمی کرده و گاه فهم و برداشت مناسب از موضوع شهر ایرانی-اسلامی و مبانی آن را مشکل گردانیده است. بی‌پاسخ ماندن بسیاری از سوالات مبنایی موجود در ارتباط با موضوع شهر

ایرانی-اسلامی و عدم توان پاسخگویی و ارائه رهیافت‌های اصولی آن به مسائل روز جامعه، لزوم نگاه جامع‌نگرانه به حوزه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی را دوجندان می‌کند. چنانچه یک شالوده‌افکنی نوین بدون تحلیل جامع نسبت به آثار گذشته و فهم نقطه قوت و ضعف آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. به عقیده دلاور، پژوهشگری که قصد توسعه دانش خاصی را داشته باشد؛ ابتدا باید پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه آن دانش انجام شده است را شناسایی و مطالعه کند (دلاور ۱۳۸۷، ۹۹-۹۷)؛ و از آنجایی که مسئله شهر ایرانی-اسلامی در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اساتید و دانشجویان را به خود جلب کرده است - که شمار بسیاری از مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در این زمینه نیز گویای مسئله بودن این موضوع است - این مقاله بررسی فراتحلیل خود را به مقالات علمی پیرامون شهر ایرانی-اسلامی تولید شده در ایران اختصاص داده است. دلیل انتخاب قالب مقاله از بین پژوهش‌های انجام شده، دلیلی روش‌شناختی و متناظر با واقعیت عینی بوده است؛ تولید مقاله بیش از کتاب و پایان‌نامه بوده است و مضافاً اینکه بیشتر پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا خلاصه گزارش پژوهشی خود را در یک مقاله برای اطلاع سایر پژوهشگران و اجتماعات علمی ارائه نمایند.

مفهوم شهر ایرانی-اسلامی با توجه به سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله کشور در راستای سیاست‌های کلی نظام در بخش شهرسازی و ماده ۱۶۹ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (موضوع تدوین و ترویج الگوهای شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی)، عبارتست از شهری که مکان تحقق تمدن بوده و از نظر مفهومی منبعث از اصول دین مبین اسلام و در معنا دارای ارزش‌های پایدار مبتنی بر بینش عرفانی ایرانی و در مصداق مبتنی بر ویژگی‌های بستر طبیعی، فرهنگی و تاریخی بوده و در هر یک از بازه‌های زمانی متناسب با ویژگی‌ها و نیازمندی‌های مراتب گوناگون معنوی و مادی جوامع انسانی و با استفاده‌ی بهینه از علوم، فناوری و مهندسی شکل می‌گیرد. هدف از ایجاد این گونه شهرسازی فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها، مطابق با آموزه‌های دین اسلام بوده و در این زمینه توسعه روابط اجتماعی و نیز تولید مظاهر فرهنگ و تمدن بویژه در آثار هویت‌مند هنری تجلی یافته است. نمونه‌های مصداقی





عناصر وجودی و کنش‌های فردی و جمعی (سجادزاده و موسوی ۱۳۹۳؛ بابیچ ۲۰۰۳) شهر ایرانی - اسلامی مورد تأکید است. روش نمونه‌گیری پژوهش، به شیوه تمام‌شماری نمونه‌های در دسترس است. فرآیند پژوهش

جامعه ایرانی، جامعه‌ای مسلمان است که با پشتوانه تمدنی چند هزار ساله بار فرهنگی عظیمی را پشتوانه خویش دارد. جامعه معتقد به اصول و ارزش‌هایی که به تبعیت از تعالیم اسلامی به صورت جزئی ناگسستنی از فرهنگ ایرانی جلوه نموده و بیانگر هویت ملی جامعه است. این هویت ملی تا اوایل قرن حاضر در بسیاری شئون تمدن ایرانی تأثیر و ظهور و بروز داشت. از آن زمان به بعد این هویت در بسیاری زمینه‌ها از جمله موسیقی، لباس، نقاشی، معماری، شهرسازی و بسیاری سنن و آداب اجتماعی به ضعف گرایید و اکنون که سال‌هاست بحث از توسعه می‌باشد؛ استحاله محیط‌های شهری به سمت همشکلی با شهرهای غربی و بی‌هویتی شدت بیشتری یافته است. به هر روی، یکی از موارد مهمی که در برنامه‌های توسعه باید مورد توجه قرار گیرد؛ حفظ و تقویت و ترویج هویت ایرانی - اسلامی جامعه است. به نحوی که جامعه را در مقابل تهاجم بیگانه در زمینه‌های مختلف و همچنین در مقابل رشد از خودبیگانگی و... مصون دارد (نقی‌زاده ۱۳۷۸ الف). بر همین اساس، در سال‌های اخیر دغدغه بسیاری از پژوهشگران، شناسایی و بازفهم اصول و مبانی حوزه شهر ملی - اسلامی بوده است و در پژوهش‌های خود این مهم را مورد توجه قرار داده‌اند. لذا؛ در مقاله‌ی حاضر، در گام نخست سعی شده است مهمترین مؤلفه‌های شهر ایرانی - اسلامی در پژوهش‌های مورد بررسی، مورد شناسایی قرار بگیرند (جدول ۱) و در ادامه این فرآیند، مهم‌ترین محورهای دسته‌بندی و چند مورد از مهمترین این موضوعات برای جلوگیری از اطاله کلام تحلیل محتوا شوند. لازم به ذکر است که برخی از پژوهش‌ها به دلیل اینکه کلیت نداشته و به صورتی پراکنده شهر ایرانی - اسلامی را مورد پژوهش قرار داده‌اند در جدول ۱ آورده نشده است. این پژوهش‌ها عبارتند از: ضرغامی (۱۳۸۹) و نقی‌زاده (۱۳۹۱) تأکید بر روی مجتمع‌های مسکونی و مسکن اسلامی ایرانی؛ شمعی (۱۳۸۹) روی نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن؛ سلطانی فرد و همکاران

آن را می‌توان پس از ظهور اسلام تا آغاز سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی در حوزه‌ی فرهنگی ایران ملاحظه نمود (مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ۱۳۹۱).

مسئله اصلی پژوهش: مطالعه تشخیصی از وضعیت تولید علمی مقالات در زمینه شهر ایرانی - اسلامی و جمع‌بندی تحلیلی و راهکارهای مقتضی در این زمینه.

هدف اصلی پژوهش: فراتحلیل مقالات با موضوع شهر ایرانی - اسلامی، برای ارائه جمع‌بندی و دسته‌بندی یافته‌ها از آخرین تلاش‌های علمی انجام گرفته در ارتباط با موضوع و بررسی نظریات به کار گرفته شده در این پژوهش‌ها می‌باشد. روش پژوهش

در این مقاله، فراتحلیل به صورت کیفی و توصیفی تحلیلی به ارائه یافته‌ها خواهد پرداخت. فراتحلیل با مقایسه و مقابله مبانی پیشینی و روشی و یافته‌ها و نتایج توصیفی و تبیینی به دست آمده درباره هر موضوع، به نوعی بینش و روش تلفیقی منجر می‌شود و مبنایی محکم مبتنی بر انباشت یافته‌ها برای جلب توجه بیشتر به بینش‌ها و روش‌های چندگانه در ارتباط با تحلیل هریک از پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌سازد (اکبری و همکاران ۱۳۹۱). فراتحلیل، در برگزیده ترکیب کمی یا کیفی گزارش‌ها و نتایج پژوهش‌های مشابه است (ولف ۱۹۸۶، ۱۲۳-۱۲۴). براین اساس، این مقاله به دنبال تبدیل یافته‌های مطالعات مختلف به یک مقیاس مشترک است. از این رو می‌توان خلأهای نظری و پژوهشی را مشخص کرد تا به جهت دادن پژوهش‌های بعدی و جدید کمک کند.

در این پژوهش، در مجموع، ۹۲ مقاله فارسی مرتبط با شهر ایرانی - اسلامی در بازه زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ از چهار منبع علمی «پایگاه مجلات تخصصی نور»، «مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»، «بانک اطلاعات نشریات کشور» و «پرتال جامع علوم انسانی» قابل شناسایی بوده است. دامنه اطلاعاتی این مقاله معطوف به مطالعاتی است که به صورت خاص، مؤلفه یا مؤلفه‌هایی از شهر ایرانی - اسلامی در مقاله‌های مورد نظر، مورد پژوهش واقع شده است. از این رو، در ابتدا مؤلفه‌های مورد نظر به دو بعد ماهیتی (چیستی‌شناسی) و وجودی (هستی‌شناسی) تقسیم‌بندی شده‌اند که در بعد ماهیتی، بررسی ابعاد و صفات هویتی و کالبدی و در بعد وجودی، بررسی ابعاد تجلی حضور





(۱۳۹۲) تحلیل دگرگرونی ساختار کالبدی-فضایی شهر ایرانی - ایرانی- اسلامی و حمزه نژاد و همکاران (۱۳۹۴) بر روی نقش اسلامی؛ شمس و همکاران (۱۳۹۴) روی تأثیرات جهانی شدن؛ مثنوی و وحیدزادگان (۱۳۹۳) روی طراحی باغ ایرانی در باغشهر ساختار شهرهای سنتی ایران می باشند.

جدول ۱. مهم ترین مؤلفه های استفاده در مطالعات شهر ایرانی- اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

نویسندگان		مهم ترین مؤلفه های مطالعات شهر ایرانی- اسلامی	
بعد چستی شناسی (تأکید بر ابعاد و جودی شهر ایرانی- اسلامی)	بعد چستی شناسی (تأکید بر ابعاد ماهوی یا کالبدی شهر ایرانی- اسلامی)		
نقی زاده (۱۳۷۸ ب)؛ نقی زاده (۱۳۸۰)؛ بمانیان (۱۳۹۳)	---	معنا و مفهوم شهر ایرانی اسلامی	
اشرف (۱۳۵۳)؛ اشرف (۱۳۶۰)؛ مؤمنی (۱۳۷۸)؛ یوسفی فر (۱۳۸۴)؛ منصورى (۱۳۸۶)؛ رضوی (۱۳۹۲)؛ منصورى (۱۳۹۲)؛ خالدیان و همکاران (۱۳۹۳)	هدایت (۱۳۷۵)؛ بلالی اسکویی و همکاران (۱۳۸۹)؛ زارعی (۱۳۹۰)؛ بهزادفر و رضوانی (۱۳۹۴)	ویژگی های تاریخی سازمان فضایی حیات شهری شهر ایرانی اسلامی	
حبیبی و همکاران (۱۳۹۰)؛ طبیبیان و همکاران (۱۳۹۰)؛ زیاری و همکاران (۱۳۹۳)؛ کیانی و باباعباسی (۱۳۹۴)؛ مشکینی و همکاران (۱۳۹۴)	---	اصول، قواعد و الگوهای شهر ایرانی اسلامی	
منصورنژاد (۱۳۸۳)؛ سلسله و سلسله (۱۳۸۸)؛ رضوی پور و همکاران (۱۳۹۱)؛ حبیبی و روحانی چولائی (۱۳۹۴)	موحد و همکاران (۱۳۹۱)؛ مختاری ملک آباد (۱۳۹۲)؛ چنگیزی و احمدیان (۱۳۹۲)؛ دانشپور و شیرینی (۱۳۹۴)؛ حبیبی و همکاران (۱۳۹۴)	هویت شهر ایرانی اسلامی	
مؤمنی (۱۳۶۵)؛ زیاری (۱۳۸۲)؛ نقی زاده و همکاران (۱۳۸۹)؛ کمیلی و همکاران (۱۳۹۲)؛ مشکینی و رضایی مقدم (۱۳۹۳)؛ عیوضی و همکاران (۱۳۹۴)	بریمانی و شعاع برآبادی (۱۳۸۸)	تأثیرات فرهنگی	تحولات اجتماعی- فرهنگی در شکل بندی و ساختار فضایی شهر ایرانی اسلامی
یوسفی فر و محمدی (۱۳۸۸)؛ تقوی (۱۳۸۹)	---	تحولات اجتماعی	
یزدانی و پوراحمد (۱۳۸۶)؛ متولی و شیخ اعظمی (۱۳۹۲)؛ حاتمی نژاد (۱۳۹۳)	پوراحمد و همکاران (۱۳۹۰).	تأثیرات مدرنیسم بر شهر ایرانی اسلامی	
شاه حسینی (۱۳۷۷)؛ شهابی (۱۳۸۳)؛ کلانتری خلیل آباد و همکاران (۱۳۸۹)؛ عسکری و بغدادی (۱۳۹۴)	شاه حسینی (۱۳۷۵)؛ پوراحمد و همکاران (۱۳۹۲)؛ مهرافزون و داریش (۱۳۹۲)	وقف	
انصاری (۱۳۸۱)؛ باستانی راد (۱۳۹۱)؛ گودرزی سروش و همکاران (۱۳۹۱)؛ بحری مقدم و یوسفی فر (۱۳۹۲)؛ لطیفی و صفرچاپک (۱۳۹۲)	سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)؛ پورجعفر و پورجعفر (۱۳۹۱)؛ امیرفخریان و همکاران (۱۳۹۴)؛ غلامی و همکاران (۱۳۹۴)	محله	مهم ترین عناصر کالبدی شهر ایرانی اسلامی



ابراهیمی (۱۳۸۸)؛ نژادستاری (۱۳۹۰)	جابر و طیبی (۱۳۹۰)؛ عباس‌زاده و گوهری (۱۳۹۳)	میدان
حسینی (۱۳۸۷)؛ منصور (۱۳۸۹)؛ همتی و همکاران (۱۳۹۲)؛ وحیدزادگان و همکاران (۱۳۹۲)؛ اعظمی و همکاران (۱۳۹۳)؛ کلانتری‌خلیل‌آباد و همکاران (۱۳۹۳)؛ حسینی‌زاده و میرنژاد (۱۳۹۴)؛ نثاری و همکاران (۱۳۹۴)	عمادی (۱۳۷۷)؛ امین‌زاده (۱۳۷۸)؛ حمزه‌نژاد و زرین‌قلم (۱۳۹۱)	عناصر مذهبی
سرائی (۱۳۸۹)؛ ایراندوست و بهمنی‌اورمانی (۱۳۹۰)	رجبی و سفاهن (۱۳۸۸)	بازار

معنا و مفهوم شهر ایرانی اسلامی

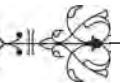
در ابتدا لازم به ذکر است که «شهر مسلمین» به شهری اطلاق می‌شود که دارای یک یا مجموعه‌ای از مشخصاتی زیر باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد؛ در دوره اسلامی رشد یافته باشد؛ توسط مسلمانان بنا شده باشد؛ در محدوده جغرافیایی ممالک مسلمان‌نشین واقع شده باشد؛ و در نهایت کم‌وبیش متأثر از تعالیم اسلامی و اصول و ارزش‌های منبعث از آن باشد. همچنین بر اساس این که مسلمانان معیارهای اسلامی را چگونه برداشت نموده‌اند و کاربست آن‌ها را در برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت شهر به چه صورت منظور نموده‌اند؛ شهر می‌تواند اسلامی، یا برخوردار از درجه‌ای از اسلامی بودن باشد (بمانیان ۱۳۹۳). شهرهای مسلمانان یا شهرهای ایجاد شده و توسعه‌یافته در دوره اسلامی، در اقصا نقاط کشورهای اسلامی، طی قرون متمادی توسط آنان و بر مبنای اصول و معیارهای نشأت گرفته از تعالیم اسلامی شکل گرفتند. این شهرها عمدتاً به دو دسته عمده قابل تفکیک هستند: شهرهای به جای مانده از تمدن‌های پیش از اسلام و شهرهای بناشده توسط مسلمان (خدایی و تقوایی ۱۳۹۰). وقتی می‌توان صفت اسلامی را به شهر به عنوان یک شیء انسان‌ساخته اطلاق نمود که آن شیء براساس تعالیم اسلامی به وجود آمده و به گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد و در عین پاسخگویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. بیان ایرانی برای شهر نیز مصداق مکانی موضوع را نشان می‌دهد. از طرفی نیز اسلامی بودن برای شهر نشانگر این است که این مکان باید تجلیگاه و یادآور ارزش‌های اسلامی نیز باشد. در قرآن مبین

برای شهر، به صفات مناسب زیستی اشاره می‌شود و در حقیقت شهر اسلامی با نیازهای انسان و نوع جهانبینی او تطابق و همسازی دارد. طبیعی است که در این راه فضای زندگی نیز باید باروش زیستی که اسلام تعریف می‌نماید هماهنگ باشد. ایرانی بودن نیز سابقه و پیشینه غنی و پرمحتوایی از تجربیات هوشمند ایرانیان را با خود به همراه داشته است (بمانیان ۱۳۹۳). لذا شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی‌اند (که با آنها در تضاد و تناقض نباشند) (نقی‌زاده ۱۳۷۹). در الگوی شهر ایرانی - اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و از آنجایی که شهر ایرانی - اسلامی متأثر از شهروندان ایرانی مؤمن و مسلمانی است که به آن هویت می‌دهند و شهرسازی و کالبد شهر براساس الگوها و معیارهای ویژه مذهبی و اسلامی ساماندهی می‌شود که مدیریتی درخور را طلب کرده و دارای معنا و روحی خواهد بود که هویت‌های شهر را آشکار می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که در این الگو، ارتباط ذاتی و ساختاری مابین دین، فضای شهری و مناسبات اجتماعی وجود دارد.

ویژگی‌های تاریخی و سازمان فضایی حیات شهری شهر ایرانی - اسلامی

در بررسی تجلی روحیه مردم ایران در کالبد شهری در دوران باستان، دو مفهوم از فضای شهری ایرانی قابل درک است. یکی





بود. در نتیجه شکل‌گیری فضا بیشتر از طریق عناصر مقدس انجام می‌گرفت تا جریان زندگی و روابط انسان‌ها. از این رو نژاد اصالت می‌یافت و انسان‌ها از ریشه و بدو تولد به دو گروه ممتاز و عامی تقسیم می‌شدند و عمل آنها در این طبقه‌بندی مؤثر نبود. اعتقاد به تفاوت ذاتی انسان‌ها که نماد آن در طبقات اجتماع به صورت بزرگان، روحانیون و جنگاوران متجلی می‌شد؛ موجب اختصاص فضا و شهر به آنها می‌شد و سایرین که نسبتی با امر قدسی نداشتند در حومه جای می‌گرفتند. این ساختار ذهنی از مفاهیم تقدس، فضا و انسان در زبان این عصر پیداست. در زبان ایرانی، «شهر» دو معنای «مملکت» و «پادشاهی» هر دو را با هم دارد. مثلاً در زبان اوستایی خستر، هم به معنای شهر است و هم به معنی پادشاهی (جنیدی ۱۳۸۶، ۳۷). پادشاه شخص مقدسی بود که دیگران حتی او را نمی‌توانستند ببینند و از پس پرده با مردم مرتبط بود. در نتیجه واژشاه، امر قدسی و شهر به یک حوزه معنایی متصل می‌شد. شاه چون دارای فره ایزدی است حاکم جهانیان است؛ و شهر از آن اوست و به نظر می‌رسد؛ اوست که شهر بنا به اراده‌اش ساخته می‌شود و یا مکان ساخته شده‌ای، به اذن او، به مقام شهر ارتقا پیدا می‌کند (براتی ۱۳۸۵، ۷). بدین ترتیب سازمان فضایی شهر ایران در دوره تاریخی مرکب از مناطق جداگانه است که با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر مکان‌یابی می‌شود. منظر شهری برآمده از این سازمان فضایی، حاکی از «مکان» شهروندان و سلسله‌مراتب جایگاه آنها در ساختار ذهنی جامعه آن دوره است. سازمان شهر به هر می‌ماند که عناصر تشکیل‌دهنده آن بر حسب رتبه و مقام به‌نحوی چیده شده‌اند که شهروندان به سادگی قادر به ادراک ساخت اجتماعی جامعه و جایگاه خود در روح جمعی شهر باشند (منصوری ۱۳۸۶). چنانچه از خصوصیات شهرهای ساسانی قرار گرفتن ارگ و آتشکده و ادارات در وسط شهر و سپس محله‌های بزرگان و اشراف و بعد از آن محله‌های پیشه‌وران را می‌توان نام برد (سلطان‌زاده ۱۳۶۲، ۹۰) (شکل ۱).

مفهوم «آرمان‌شهر دولتی ایرانی» است که در آن دولت نیازمند تعامل با مردم نیست و مکانی نیز در شهر برای این موضوع در نظر گرفته نمی‌شود؛ مانند تمامی قلعه شهرهای قدرت مادی و پارسی ایران. دیگری مفهوم «دولت‌شهر آرمانی ایرانی» است که در آن حضور مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری دولتی مطرح بوده و مکان میدان مرکزی در شهر بدین منظور اختصاص یافته است؛ مانند شهرهای پارسی هلنی و پارتی که چون این میدان صحن معبد نیز می‌باشد؛ مفهوم یک دولت‌شهر آرمانی ایرانی نیز دارد. هرگاه مفهوم آرمان‌شهر دولتی ایرانی شکل کالبدی به خود می‌گیرد، شهر ایرانی دارای برج و بارویی مستحکم خواهد بود و ساختار شهر را دولتی در میان تشکیل می‌دهد که مکان عبادت خواص است و برای توده‌های مردم جایگاه حضور در همین نیایشگاه وجود ندارد. شاه یا فرمانده همراه خانواده خود و دیگر نجبا یا اشراف در این دژ زندگی می‌کنند و نیازی به تعامل با مردم در پیشبرد و اجرای مقاصد حکومتی نیست. این مفهوم شهرگرایی با روی کار آمدن دولت‌هایی به نام آرمان‌های ایرانی، اگر نتوانست هویتی مردم‌سالارانه را بپذیرد؛ در کالبدی محدود به بافت پیچیده و کهن باقی‌مانده است. اما از سوی دیگر مفهوم دولت‌شهر آرمانی ایرانی است که در تاریخ شهرگرایی، هویت مدنی و کالبدی کاملاً متفاوتی پیدا نموده است. ابداع مفهوم شار ایرانی در شهرسازی ایرانی، زمانی صورت پذیرفته است که حاکمیت سیاسی و مذهبی در ایران، یک‌قطبی بوده است و از حضور مردم در بالندگی نظام سود می‌برد. سازمان شار ایرانی در دولت‌اشکانی از یک سو با تبعیت از قدرت پادشاه، شهر دارای قلعه و حصار بوده است؛ و از سوی دیگر دولت‌شهری است که در آن آزادی مردم در تصمیم‌گیری حکومتی استفاده می‌شود؛ که مکان جلوه این حضور اجتماعی، میدانی در جلوی معبد ایرانی بوده است. چون این میدان حکومتی در راستای باورهای دینی و آرمان‌های ایرانی شکل می‌گیرد؛ مفهوم فضای شهر ایرانی در این دوره یک دولت‌شهر آرمانی ایرانی است (کوچک‌خوش‌نویس ۱۳۸۵). از سویی تأکید آئین‌های باستانی ایران به رابطه انسان با هستی بدون گذر از ارتباط میان انسان‌ها، زمینه را برای تبیین نظام کاستی در جامعه فراهم می‌ساخت. جامعه واقعیت وجودی نداشت. هرچه بود فرد بود و عنصر مقدس؛ و آنچه آرمان انسان‌ها را تبیین می‌کرد؛ رابطه این دو



به «مکانی برای زیست برادران برابر که عزت آنها نه ذاتی که اکتسابی است» (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) و عدالت تجلی یافته در سازمان فضایی آنها جستجو کرد (پوراحمد ۱۳۹۳). از سویی یکی از شاخص‌های سازمان فضایی شهرهای ایرانی پس از ورود اسلام، مجموعه‌های نیمه‌مستقل عمومی جدید چون مسجد جامع، بازار، میدان و محله‌هایی است که حاوی برتری نسبت به یکدیگر نیستند، بلکه بر حسب قومیت یا شغل ساکنان، به صورت مستقل ظاهر می‌شوند. استقلال‌هایی که تنها تمایز است نه برتری. شهرهای سده نخستین اسلامی، در امنیت نسبی حاصل از فتوحات مسلمانان از یک سو نیازمند دیوار و حصار کهنه نیست و از سوی دیگر با استقرار نگاه نو توسط مسلمانان دو گانگی فضایی قلعه و شهر را از میان بر می‌دارد (منصوری ۱۳۶۸، ۵۹-۵۵).

در تصویری که از شکل شهرهای ایران در دوره پس از سقوط ساسانیان و در دوره اسلامی به دست می‌آید؛ بیشتر شهرهای ایران در دوره اسلامی سه جزء اصلی و شاخص پدیدار شده شهر دوره باستانی ایران را در خود حفظ کرده بودند: کهن‌دژ، شارسن (شهرستان) و شهر بیرونی. گزارش‌های جغرافیایان بزرگ قرون میانه در خصوص سیمای شهرهای مختلف ایران زمین، مملو از اشاراتی به وضعیت تداوم و حضور سه عنصر مزبور در شهرهای آن دوران است. این امر سبب شده است که محققان علاقمند به موضوع، وجود و ماهیت این سه بخش در شهرهای آن روزگار را به عنوان واقعیت تاریخی پذیرا شوند و از آن به عنوان شکل مسلط سیمای شهرهای آن دوران یاد کنند (کیوان ۱۳۷۹، ۲۷۲) (شکل ۲).

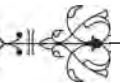


شکل ۲. سازمان فضایی عصر صفوی (مأخذ: حبیبی ۱۳۹۰)



شکل ۱. سازمان فضایی شهر قبل از اسلام (مأخذ: حبیبی ۱۳۹۰)

اما اسلام پس از مطرح شدن به عنوان یک دین، تأثیرات زیادی بر شهرنشینی گذاشت؛ به طوری که بیشتر کسانی که به بررسی آثار و بناها و شهرهای اسلامی و تاریخ تمدن اسلام پرداخته‌اند؛ بدین باورند که اسلام دینی است شهری. از جمله بولت که می‌گوید اسلام در ذات خود دینی شهری است و یک زندگی کاملاً شهری را تنها می‌توان در یک محیط شهری محقق ساخت (بولت ۱۳۶۴). با ورود اسلام به ایران، جهان‌بینی برابرنگر اسلام، منطق طبقات اجتماعی را در هم ریخت و قبول ارتباط بی‌واسطه میان انسان و خدا، جایگاه واسطه‌ها و اشخاص خاص در جامعه را برچید. در نتیجه شهر اسلامی ایران، به دلیل دگرگونی اندیشه و اعتقاد، محصولی نوین از تمدن سازمان و صورت آن از اصالت اجتماع، برابری افراد جامعه و نمادهای اعتقادی ساکنان الهام می‌گرفت. در نتیجه دارای نظامی شد که در دوره پیش از آن وجود نداشت (منصوری ۱۳۹۲). هر چند باید اساس و شالوده شهر در ایران را بعد از ورود اسلام بر پایه شهرنشینی و شهرسازی دوران ساسانی دانست (اشرف ۱۳۵۳؛ اشرف ۱۳۶۰؛ یوسفی فر ۱۳۸۴؛ منصوری ۱۳۸۶؛ رضوی ۱۳۹۲؛ منصوری ۱۳۹۲؛ پوراحمد ۱۳۹۳)؛ اما دین جدید مجموعه‌ای از اصول و هنجارها و چارچوب اجتماعی نوینی را در جامعه ایرانی رواج داد که به روشنی بر ساختار زندگی روزمره مردمان تأثیرگذار بود (خالدیان و دیگران ۱۳۹۳). چرا که مهم‌ترین حادثه شهری در سده‌های نخستین ظهور اسلام در ایران را می‌توان در تغییر مفهوم شهر از «محیط محصور طبقات برگزیده و در جوار آن مقرر مردم عامی»



باید یادآوری کرد که در مرحله اول بروز تحول در شکل شهر ایرانی کهن، در نتیجه غلبه فاتحان عرب، عناصری اصلی شهری در فضای کهن دژ (که سابق بر آن تنها محل استقرار مقرر حکام بود) استقرار یافته و سپس با رشد شارسرستان در برابر کهن دژ، دومین مرحله در تغییر شکل شهر ایرانی بوجود می آید. براساس چنین تحولاتی بود که منطقه سوم شهری - که تا این هنگام نقش منطقه شهر بیرونی یا حومه شهری را ایفا می کرد و فعالیت های کشاورزی یا متفرقه در آن جریان داشت - به تدریج کارکردهای اقتصادی و اجتماعی شهری را خود پذیرا شد. این مرحله از رشد کالبد شهر در دوره اسلامی، انعکاسی از روند شکوفایی و انکشاف مناسبات اقتصاد شهری بود. از جمله پیامدهای چنین تحولاتی در شهرهای این دوران، ظهور نیازهای جدیدی در حوزه مسائل امنیتی، اجتماعی و خدمات شهری بود که در نتیجه آن، ساختار حکومت شهری گسترده تر شد و کارکردهای مختلف آن گسترش می یافت. انتقال عناصر اصلی زندگی شهری به منطقه رض، مهم ترین تغییر در شکل شهر ایرانی بود که در نهایت به پیدایش شهر و استقرار الگوی ویژه شهر ایرانی - اسلامی در دوران سلجوقیان انجامید. به این ترتیب، به آرامی شهر جدیدی در منطقه رض سربرآورد که در آن عناصر اصلی زندگی شهری (بازار، مسجد جامع و مقرر نمایندگان سیاسی - اداری شهر) به شکلی هماهنگ و براساس یک الگوی مثالین به گرد هم جمع شده بودند. در واقع، منطقه رض به دلیل آنکه بخش اصلی فعالان اقتصادی (بازار)، مذهبی (مسجد جامع، خانقاه و ...)، اجتماعی (محلله های پرجمعیت و ...) و سیاسی (دارالاماره یا کاخ، قصرها و ...) را در خود جای داده بود، مهم ترین منطقه شهری هر شهر به شمار می رفت و ظرفیت های بسیاری را برای توسعه فضایی و کالبدی شهر در اختیار قرار می داد (همان ۱۳۸۴). بنابراین در روند پیدایش شهر اسلامی در ایران دو نیرو نقش اساسی ایفا کرد: اول شعار برابری اجتماعی اسلام بود که مهمترین بنیاد سازمان فضایی شهر ساسانی را که مبتنی بر جامعه کاستی بود، در هم ریخت، و دیگر سنت پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) در اهمیت بخشیدن به شهر بود که آن را

این برداشت در نظر اول صحیح به نظر می رسد؛ اما نکته مغفول در این برداشت، نادیده انگاشتن روند تحول و تغییراتی است که در جریان آن، دو بخش اصلی شهر (کهن دژ، شارسرستان) در الگوی شهر کهن ایرانی به تدریج موقعیت خود را از دست می دهند و به رشد و برآمدن آرام منطقه شهری جدید، که «رض» نامیده خواهد شد؛ تن در می دهند. روند تغییر در الگوی تغییر و دگرگونی مورد نظر در تمامی شهرهای سرزمین ایران با آهنگ و شکل متوازن تحقق نیافت بلکه در هر شهر، بنابه موقعیت طبیعی، اقتصادی و اجتماعی آن منطقه، تفاوت هایی در جریان آن بروز می کرد. از سویی در برخی شهرهای ایران در سده های میانه، بخش کهن دژ (یا فضای درون حصار) علاوه بر حفظ کارکردهای قبلی خود، کارکردهای جدیدی نیز پذیرفته بود: گذشته از باقی ماندن نشیمنگاه حکام در کهن دژ، گاه بازار، مسجد جامع، زندان و سایر مؤسسات امنیتی - نظامی شهری و غیره نیز در فضای مزبور به وجود می آمد. شارسرستان نیز به عنوان جزء دیگری از الگوی شکل شهر باستانی ایران، کارکردهای اجتماعی - اقتصادی خود را در دوره اسلامی حفظ کرد و کارکردها و فضاهای بیشتر و متفاوتی مانند کالبد بازار، مسجد جامع، و حتی سرای امارت، زندان و غیره را در خود پذیرا شد؛ اما تنها در قرون سوم و چهارم ه. ق. است که می توان تغییرات اساسی و بنیادی در شکل شهر ایرانی را ردیابی کرد. تغییرات مزبور به دنبال تحولاتی که در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران رخ می نمود؛ به صورت مشخصی در شکل شهر بازتاب می یافت (یوسفی فر ۱۳۸۴). در درون شهر ایرانی این دوران، روند حرکت و جابجایی عناصر و فضاهای کالبدی شهر کهن از محوطه کهن دژ به طرف شارسرستان و سپس به سوی شهر بیرونی (رض) است. رشد فضا و کالبد شهری که در نتیجه رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی و تحولات فرهنگی صورت می گیرد؛ باعث می شود که شارسرستان در برابر کهن دژ اهمیت روزافزونی به دست آورد. استقرار فضاهای کالبدی مانند بازار و مسجد جامع و گاه مقرر اقامت امیر و حاکم در شارسرستان، نشانگر بروز تحولات جامعه شناختی و اقتصادی در این شهرها است.





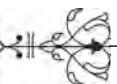
مبانی نظری در زمان و مکان متفاوت خواهند بود و آنچه که لایتغیر است (با توجه به ماهیت ابدی بودن شریعت اسلام) اصول و مفاهیم اسلامی خواهد بود. این شیوه نگرش به موضوع پدیده غربی نیست و در طول تاریخ، اگر نگوئیم همه، بسیاری مکاتب به آن توجه داشته و غالباً (گاه بدون اشاره به مبانی عقیدتی خویش و گاه با اشاره به آن)، ویژگی‌هایی برای شهر ایده‌آل و آرمانی خود ارائه نموده‌اند. محیط و فضای زندگی (شهر) بعنوان «ظرف و محمل تمدن» و «تجلیگاه ارزش‌های جامعه» نقش بسیاری اولاً در نمایش ارزش‌های مورد اعتقاد و باور جامعه ایفا می‌نماید و ثانیاً زمینه‌ای برای تحصیل رشد و تعالی آحاد جامعه براساس تعالیم مکتب مورد نظر می‌باشد. اندازه‌ها و مقیاس‌ها، فرم‌ها، اشکال، جهت‌گیری‌ها، تزئینات، تناسبات، رویکردها، هم‌جواری‌ها، ارتباطات و عملکردهای موجود در یک شهر و ابنیه و معانی‌ای که از هر کدام به ذهن متبادر می‌شود و همه آن چیزهایی که کالبد و سیمای شهر را شکل داده‌اند، جملگی از اصول تفکر غالب بر اهل شهر سخن می‌گویند (نقی‌زاده ۱۳۷۷). از این رو تقی‌زاده بهترین الگو برای شهر ایرانی اسلامی را با توجه به تعالیم اسلامی پیامبر اکرم (ص) و همچنین حضرت ابراهیم (ع) و شهر مکه مکرمه معرفی می‌کند و اصلی‌ترین بنیاد (یا مبانی) اسلام را نیز در ابتدا «توحید» و سپس «عدل» معرفی می‌کند. ایشان همچنین مهم‌ترین ارکان شهر اسلامی را انطباق و همپوشانی سه فضا شامل «فضای فکری»، «فضای عملی» و «فضای عینی یا کالبدی» می‌داند که اصلی‌ترین عنصر آن، انسان (یا مؤمن) است که مهم‌ترین مقوله مربوط به او نیز «وجه فکری» یا به عبارتی ایمان اوست. به این ترتیب است که می‌توان «ایمان» اهل یک شهر را مهم‌ترین عامل و عنصر شکل‌دهنده و تعریف‌کننده «شهر اسلامی» نامید. عنصر بعدی، «قوانین» حاکم بر شهر و همه روابطی است که بین انسان‌ها (اعم از مدیر شهر و اهل شهر) و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند که در عنصر «کالبد» عینیت می‌یابند. در مورد صفات شهر اسلامی نیز دو صفت «فعل الهی (یا اصول حاکم بر فعل و خلق الهی)» و «صفات فعل انسان (اصول توصیه شده برای حیات وی)» را معرفی می‌کند

برای ساخت جامعه اسلامی ضروری می‌دانستند؛ و بدین ترتیب به شکل‌گیری مکتب نوینی از شهر ایرانی منجر گردید: شهر اسلامی ایرانی، که دگرگونی اساسی سازمان فضایی در شهر ایرانی اسلامی نسبت به گونه باستانی آن به دلیل تغییر بنیادهای ذهنی صورت‌بخشی به شهر بوده است. شهر ایرانی اسلامی سازمان خود را از مکتب اسلام، به مثابه سیستمی وحدت‌دار از اندیشه (توجه به غایت مسائل) و احکام (دستورات عملیاتی) اخذ کرده است. مهم‌ترین مقوله مؤثر بر ساخت شهر اسلامی در ایران، تعریف و احکام اسلام از اجتماع و نقش آن در رشد انسان به عنوان هدف دین است. در عین حال شهر اسلامی ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سنت محلی و تجربه بومی ایرانیان در ساخت فضا اخذ کرده است (منصوری ۱۳۹۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام به گونه‌ای بنیادین، متفاوت از شهر قبل از اسلام شکل می‌گیرد. این تفاوت که ناشی از بینش و فهم جدید مسلمانان نسبت به جامعه و نقش افراد در آن است؛ سازمان فضایی متفاوتی از شهر را که دارای تفاوت‌های بنیادی و ماهیتی با آنچه در ایران باستان به عنوان «شهر» خوانده می‌شد؛ دارد. مفهوم اجتماع و ارتباط افراد در جامعه ایران قبل از اسلام چندان شناخته شده نبود و مفاهیم اسطوره‌ای و قداست بخش به انسان‌ها، مکان‌ها و عناصر طبیعت ساختار شهر را تعیین می‌کرد. این تفاوت در ساختار شهرهای پس از اسلام، به خوبی توانست خود را با عوامل دیگر تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر تلفیق کند و گونه جدیدی از شهر را به وجود آورد. در این شهرها الگوی مبتنی بر نفی طبقات اجتماعی، برابری حقوق شهروندان، طبیعت‌پسندی و اهمیت زندگی جمعی با ویژگی‌هایی چون تداوم هویت تاریخی، رعایت ویژگی‌های اقلیمی و زیبایی‌شناسی ایرانی توانست الگویی جدید را به جهان عرضه کند.

اصول، قواعد و الگوی شهر ایرانی - اسلامی

تعبیر «شهر اسلامی» منوط به وجود شهری می‌گردد که مبانی نظری طراحی و ساخت آن (مشمول بر اصول، معیارها و ضوابط و...) از متون اسلامی نشأت گرفته باشد که البته نحوه پاسخگویی به اصول و معیارهای مندرج در





نقی‌زاده ۱۳۹۲ الف؛ نقی‌زاده ۱۳۹۴). در ادامه مهمترین ارکان، صفات و الگوهای غالب شهر ایرانی - اسلامی از دید محققان شهر ایرانی اسلامی با دیدگاه‌های متفاوت و

جدول ۲. مهم‌ترین ارکان، صفات و الگوهای غالب شهر ایرانی - اسلامی از دید محققین (مأخذ: نگارندگان)

پژوهشگران	ارکان، صفات و الگوهای غالب شهر ایرانی - اسلامی
طیبیان و همکاران (۱۳۹۰)	اصل سلسله مراتب
حبیبی و همکاران (۱۳۹۰)	(۱) سلسله مراتب، (۲) وحدت و کثرت، (۳) تمرکز، (۴) عدم تمرکز، (۵) تباین، (۶) تجمع، (۷) اتصال، (۸) تناسب، (۹) تداوم، (۱۰) قلمرو، (۱۱) سادگی، (۱۲) پیچیدگی، (۱۳) ترکیب، (۱۴) استقرار، (۱۵) توازن، (۱۵) ایجاز و زمان
چرب‌گو (۱۳۹۱)	اصل کلیت
کلانتری و همکاران (۱۳۹۳)	(۱) بهداشت، (۲) محرمیت، (۳) عدالت اجتماعی، (۴) مشارکت مردمی، (۵) امنیت، (۶) تعاملات اجتماعی و آرامش و آسایش
کیانی و عباسی (۱۳۹۴)	(۱) اصل هدفمند زیستن، (۲) اصل کرامت انسان، اصل رفاه، (۳) اصل امنیت، (۴) اصل سلطه‌پذیری مسلمانان، (۵) اصل عدم فساد، (۶) اصل عدم عسر و حرج، (۷) اصل اضطراب و اصل الزام‌آوری قراردادهای و پیمان‌ها
مشکینی و همکاران (۱۳۹۴)	(۱) مسجدمحوری (ارتباط انسان با خدا)، (۲) درون‌گرایی (ارتباط انسان با خود)، (۳) محله‌محوری (ارتباط انسان با جامعه) و (۴) طبیعت‌گرایی (ارتباط انسان با جهان هستی)
زیاری و همکاران (۱۳۹۳ ب)	الگوهای غالب شهرسازی ایرانی - اسلامی ۱. سبک خراسانی: بعد از ورود اسلام تا قرن ۴ ه. ق؛ ۲. سبک رازی: قرن چهارم تا قرن هفتم هجری قمری؛ ۳. سبک آذری: قرن ۷ تا ۱۱ ه. ق؛ ۴. سبک اصفهانی: قرن ۱۱ تا شروع ۱۳ ه. ق؛ ۵. سبک تهران: از پایتختی تهران در دوره قاجار تا سال ۱۲۹۹ ه. ش.

هویت شهر ایرانی - اسلامی

مشکل آن جاست که به سبب تداخل فرهنگی و در گذر زمان، می‌توان از تأثیرات سه نوع هویت با هم سخن به میان آورد: فرهنگ و تمدن ایران شهری، فرهنگ و تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدن غربی. این که من اصیل ما دینی است یا غیردینی، افتخارات عمده‌ی ما صیغه ملی دارند یا مذهبی، موضوعی است که در دهه‌های اخیر ذهن بسیاری از متفکران را به خود مشغول کرده است و از جمله پرسش‌هایی که از این بحث جوشیده آن بوده که با پذیرش فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی به عنوان دو واقعیت، سهم هر یک از آن‌ها بر هویت ما تا چه حد است و میزان تأثیرگذاری هر کدام بر دیگری چقدر است؟ (منصورنژاد ۱۳۸۳). با توجه به این که تاکنون تعریف جامع و مانعی از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است، در این راستا، هر یک از محققین برای نشان دادن این تمایز به دنبال شناخت ابعادی بوده‌اند تا با آنها شهر اسلامی را به عنوان

هویت بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای است (بمانیان و همکاران ۱۳۸۹، ۴۰)؛ و حاصل احساسات ذهنی از وجود هر روزه او و ارتباطات گسترده اجتماعی است که نیازمند مکانی برای شکل‌گیری است (پورجعفر و هاشمی‌دمنه ۱۳۹۰، ۲۰-۱۱). این امر باعث ایجاد تشابه در یک فرد، قوم یا ملتی و در مقابل باعث تمایز بین افراد و گروه‌ها می‌شود (اکبری ۱۳۸۷، ۲۲۰). چنانچه از دیدگاه اسلام، سرچشمه و پدیدآورنده همه هویت‌ها و چیزها «او» است. این تنها خداوند است که هر چیزی را می‌آفریند و «او» است که ماهیات را هستی می‌بخشد (نقره‌کار ۱۳۸۷). هر کالبدی از نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل برخوردار است (بحرینی و تاج‌بخش ۱۳۸۰). از این‌رو هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند (موحد و همکاران ۱۳۹۱). اما در هویت ملی ما ایرانیان،



و ورود آرام زبان عربی به فارسی از عوامل مهم پیونددهنده این هویت می‌باشند. حکومت آن زمان ایران نشان می‌دهد که عواملی همچون نفی دیگران، کثرت و دیگر موارد باعث شد که بارقه‌هایی از پیوند ما بین مبانی اسلام و ایران برقرار گردد و از آنجا که اسلام برای کوچکترین ابعاد زندگی انسان، باید و نیاید‌هایی مطرح کرده تا حقوق انسانی پاس داشته شود؛ از این‌رو بسیاری از این مسائل در حوزه معماری و شهرسازی مطرح شده تا محیط زندگی انسان متناسب با نیازهای جسمی و روحی او باشد. معماران و شهرسازان اسلامی با استناد به متون دینی اصولی را در رابطه با چگونگی ساخت شهر و محل سکونت استخراج کرده و از آن در ساخت شهر و کاشانه خود بهره جسته‌اند. از طرفی معماران و شهرسازان ایرانی بنا به فرهنگ خود به اصولی در طرح و ساخت رسیدند که مشخصه ایرانی بودن طرح‌ها بود است که در جدول ۳ به پاره‌ای از مهمترین مؤلفه‌های هویت‌ساز شهر ایرانی - اسلامی اشاره شده است.

پدیده‌ای منحصر به فرد و دارای هویت معرفی نمایند؛ گاه با مسائل کالبدی (دانش ۱۳۸۹)، گاه با مسائل انسانی و اجتماعی (پوراحمد و همکاران ۱۳۸۹) و گاه با شناخت ماهیت و چیستی شهر اسلامی (فرجام و همکاران ۱۳۹۰؛ نقی‌زاده ۱۳۸۹). از این‌رو در خصوص هویت کالبدی شهر اسلامی باید گفت به طور قطع اگر در شهری از خاور دور تا آندلس در اروپا شاهد عناصر کالبدی، نظیر مناره و مسجد، کاروانسرا، بازار با سلسله مراتب فضایی متأثر از مسجد جامع، جدایی قلمروهای خصوصی - مناطق مسکونی - از قلمرو عمومی - معابر عمومی و خیابان‌ها - قلمروهای عمومی با سطوح دسترسی پیچیده اما مملو از نشانه‌های روشن و قابل شناسایی برای مردم و مواردی از این دست باشیم به آن شهر، شهر اسلامی خواهیم گفت (فرجام و همکاران ۱۳۹۰). اما در مورد پیوند هویت ایرانی - اسلامی می‌توان به این نکته اشاره کرد که نارضایتی توده‌ی مردم از حکومت ایران، روح عدالت‌خواه اسلام، زندگی ساده‌ی رهبران اسلام، آشنایی ایرانیان با حکومت حضرت علی (ع)

جدول ۳. مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز و سازه‌های شهر ایرانی - اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

پژوهشگران	مؤلفه‌های هویت‌ساز شهر ایرانی - اسلامی
حکیم (۱۳۸۱)	تأثیر ارزش‌های اجتماعی و اثرات کنترلی راهبردهای ساختمانی مرتبط؛ بهره‌گیری از زبان طراحی بومی و عناصر مربوطه؛ و گونه‌های ساختمانی و نظم در آرایش عناصر شهری.
نقی‌زاده (۱۳۸۷)	ارتباط با طبیعت، تذکردهی، تواضع، هویت، حد و حریم، هدایت و اصلاح.
نقره‌کار (۱۳۸۷)	<ul style="list-style-type: none"> - کارکردگرایی و داشتن منطق کاربردی برای همه عناصر، فضاها، کالبدها و پرهیز از بیهودگی؛ - عدم مشرف بودن واحدهای همجوار به یکدیگر؛ - پیشگیری از هر نوع مزاحمت همجواری؛ - رعایت ارتفاع مناسب برای واحدهای مسکونی؛ اجتناب از اسراف، ساخت عناصر بیهوده و تجمل و خودنمایی؛ - ایجاد آرامش و سکون مناسب در مقابل سایر فضاهای شهری که پرازدحام هستند؛ - توجه به اصل وحدت در کثرت در ساخت فضاهای شهری و شهر؛ - چندگانگی در کاربرد؛
	<ul style="list-style-type: none"> - اهداف زیبایی‌شناسانه؛ - نوآوری، ابتکار و عدم تقلید از غیرمسلمانان؛ - ارزش‌گذاری متفاوت برای فضاهای شهری؛ - تعلق به هویت جمعی و پایدار و نه فردگرایی؛ - رعایت حقوق همسایه؛ - بهره‌گیری از روش‌های کهن ساخت‌وساز؛ - ضرورت ارتباط انسان با طبیعت در خانه؛ - رعایت حریم‌های فردی و خانوادگی، - تشخیص بخشیدن به خانه‌ها با ایجاد سردرهای زیبا و سایه‌اندازه‌ها و زینت بخشیدن به آنها با نام و یاد خدا؛ - هم‌آوایی بدنه‌ها با هندسه فضاهای عبوری و راه‌ها و نهرها؛





بازتاب تحولات اجتماعی - فرهنگی در شکل‌بندی و ساختار فضایی شهر ایرانی اسلامی

شهر به سبب سازمان‌یافتگی فرهنگی - اجتماعی، با فرهنگ به مثابه مجموعه پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی هر جامعه، نسبتی مستقیم دارد (فکوهی ۱۳۸۷، ۲۸۶). شهر و روابط زندگی شهری ساخته و سازنده جریان‌های فرهنگی و اجتماعی است. کالبد شهر و مناسبات شهری تجلی و تبلور آموزه‌های اعتقادی و آرمان‌های اجتماعی است و با تغییر و دگرگونی در ساختار و شکل‌بندی اجتماعی و فرهنگی، ترکیب و کاربست عناصر زندگی شهری نیز دچار تغییر و تحول می‌شود (خلعتبری و پرتوی مقدم ۱۳۸۹). فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های اقتصادی متفاوتی را خلق می‌کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند؛ چون درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست و می‌توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک و نوع تکنیک، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد (زیاری ۱۳۸۲). همچنین فرهنگ برآیند سه عامل اعتقاد یا همان جهان‌بینی (رابطه انسان با خدا)، شیوه زندگی یا همان قوانین زندگی اجتماعی (انسان و جامعه) و در نهایت تاریخ یا دستاوردها و تولیدات یک ملت (ارتباط با طبیعت، تاریخ و هویت) است. لذا فرهنگ یک تمدن در آثار هنری آن زمانی تحقق می‌یابد که نخست از اعتقاد دینی آن سرچشمه گرفته باشد؛ دوم اینکه شیوه زندگی اجتماعی را بازتاب کند؛ و سوم آنکه با احترام به تاریخ و دستاوردها و تولیدات بومی خود به بیان خود بپردازد (نقی‌زاده و همکاران ۱۳۸۹). از سویی بافت شهری را می‌توان بازتاب ساختار اجتماعی در جامعه‌ی شهری دانست؛ چرا که در واقع از طریق اتخاذ رویکرد تحلیل شکل شهر و بررسی کالبدی آن، فهم و تحلیل مناسبات شهرنشینی و اوضاع و احوال اجتماعی حاکم بر شهر در یک دوره‌ی تاریخی تسهیل می‌شود؛ و همان‌گونه که ساختار کالبدی شهر و نحوه‌ی چیدمان عناصر شهری، بر نظام اجتماعی شهر، تأثیرهایی دربر خواهد داشت، مناسبات اجتماعی نیز برعکس بر بافت شهری اثرهای

ژرفی بر جای می‌نهد (یوسفی فر و محمدی ۱۳۸۸). بنابراین، از آنجا که اصولاً شیوه‌ی شهرسازی ایرانیان قبل از اسلام بر سبک‌های بخصوصی استوار بوده؛ در هر دوره متناسب با تحولات اجتماعی فرهنگی آن‌ها، الگویی خاص وجود داشته است. چنانچه در دوره ماد، سبک پارسی حاکم بوده، که دگرگونی‌های شهر از تغییرات سیاسی و اقتصاد مبتنی بر غارت - دفاع نشأت می‌گرفته و فرهنگ مذهبی یا مقوله جهان‌بینی در ساخت‌های کالبدی - فضایی تأثیر زیادی داشت است. در دوره هخامنشیان، سبک پارسی و فرهنگ دودمانی که گویای نقش فرهنگ طبقاتی در شهرسازی آن دوره بوده است رواج داشته است، در دوره اسکندر و سلوکیان سبک هلنی - پارسی رایج شد و شهر را بر مبنای اختلاط دو فرهنگ شرق و غرب احداث کردند؛ دوره اشکانیان سبک پارتی معمول و نظام فضایی - کالبدی بر فرهنگ طبقات اجتماعی و کمرنگ شدن فرهنگ یونانی مبتنی بوده است و در نهایت در دوره ساسانیان نیز ساخت شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی مشتمل بر پادشاهان، درباریان، موبدان، نظامیان، دبیان، دهقانان، به‌صورت جدای از هم شکل گرفته است (حبیبی ۱۳۹۰، ۲۵-۵). اما با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی و فتح مناطقی از ایران به دست اعراب، تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران و به‌تبع در ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی در دوران اسلامی به‌وجود آمده است که برخی از این ویژگی‌های اجتماعی عبارتند از همبستگی اجتماعی، تشکلهای صنفی، پیوستگی محله‌ای، اداره شهر، خلوت‌گزینی و تفکیک جنسیتی و عرصه‌های عمومی شهر (پوراحمد و موسوی ۱۳۸۹) که به دو گونه متمایز قابل تفکیک هستند: گونه اول شهرهایی هستند که بر اساس رتبه‌بندی و سازمان اجتماعی قبل از اسلام (عصر ساسانیان) شکل گرفته بودند و به سه بخش کهن‌دژ، شارستان و ریض تقسیم می‌شدند و گونه دوم شهرهایی هستند که با همان ساختار سه‌بخشی شکل گرفته و در ادامه با توسعه فیزیکی منطقه ریض به ساختاری مستقل با تمامی عناصر شهری شامل ارگ، مسجد جامع، محلات و بازار تبدیل شدند. در قرون اولیه اسلام (قرن اول تا چهارم ق) سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری

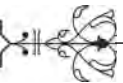




تقسیم‌بندی در شهرهای عصر سلجوقی شکل پیچیده‌تری به خود گرفت و منطقه ربض به صورت جداگانه، نقش اصلی را در حیات اجتماعی ساکنان شهر ایفا کرد. دلیل این امر، قدرت یافتن طبقه پیشه‌ور و بازرگان به‌عنوان دو بازوی اصلی اقتصاد شهری بوده است. بنابراین، علت اصلی رشد فضاهای مرتبط با ربض و گاه شارستان را در شهرهای عصر سلجوقی چون دقیانوس جیرفت، بلقیس اسفراین، ری و گرگان قدیم، می‌توان تحولات جامعه شهری عصر سلجوقی و جابه‌جایی قدرت دینی با قدرت اقتصادی و گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری دانست (یوسفی فر ۱۳۸۴). همچنین حجم انبوه مبادلات تجاری در قرون میانی به‌واسطه جاده استراتژیک ابریشم، باعث رشد و توسعه اقتصادی شهرهای مهمی چون نیشابور، گرگان و ری در مناطق شمال و شمال‌شرقی ایران شد. گفتنی است که قرارگیری گرگان در مسیر فرعی تجاری راه ابریشم، توسعه و رونق اقتصادی شهر را در قرون میانی به همراه داشت (بارتولد ۱۳۷۵، ۳۹). استفاده بهینه از ظرفیت‌های حضور بازرگانان و تجار در بخش تجارت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و تبدیل حرفه‌های سنتی کشاورزی و صنایع دستی به صنایع سودآور، موجب شد ایران به حلقه‌ای مطمئن در تجارت بین‌المللی در دو سوی شرق دور و غرب قرون وسطی تبدیل شود. برای مثال، می‌توان به شهرت شهرهایی چون نیشابور که مرکز اصلی محصولات صنعتی از قبیل پارچه‌های ابریشمی و زربافت و سنگ فیروزه بوده، اشاره کرد (راوندی ۱۳۶۵، ۲۶۳). در دوره سلجوقی، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی موجب احیای روش اقطاع و تیولداری شد. در این روش سازمان اقتصادی و تولیدی جامعه تحت سلطه دولت و در رأس آن شاه قرار گرفت و مقطع کاران به‌عنوان بازوی توانای حکومت در بهره‌کشی از طبقه فرودست جامعه و پذیرش سلطه و تقویت حیات سیاسی دولت از جانب آنها نقش مهمی ایفا کردند. تیولداران با شناسایی بهترین و مرغوب‌ترین زمین‌های کشاورزی و مراتع، زمین‌های یکپارچه‌ای را در اختیار کارگران و کشاورزان می‌گذاشتند و با نظارت و کنترل در امر تولید محصول به امور تجاری

اهمیت زیادی پیدا می‌کنند و مسجد جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر قلمداد می‌شود. همچنین شهرهای این دوره با روستاهای پیرامون در نظام‌های منطقه‌ای پیوند می‌خوردند و مجموعه هم‌بسته‌ای را به وجود می‌آوردند. اساس این پیوند را همبستگی جدایی‌ناپذیر میان صنایع دستی و بازرگانی با فعالیت‌های کشاورزی تشکیل می‌داد. محلات شهر بیشتر بر اساس نوع مذهب، قومیت و یا حرفه افراد سازماندهی می‌شد (اشرف ۱۳۵۲، ۱۰-۱۲). همانطور که اشاره شد؛ شهرهای ایران در گوناگونی عناصر و کالبد شهری از بخش‌های مختلفی چون ارگ یا کهنه‌دژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شده است. ارگ مقر حکومتی و جایگاه مدیریت سیاسی و سازمان اداری شهر به شمار می‌آمده که ساختار دفاعی و امنیتی، ویژگی بارز آن است. محله‌های مسکونی یا شارستان نقطه اتصال زندگی شهری با نظام حکومتی قلمداد می‌شده است؛ چرا که قرارگیری بازار در این بخش به فضاهای شهری موجودیت کاربردی و کالبدی می‌داده است (فلامکی ۱۳۶۶، ۱۱-۱۳). همچنین احاطه فضای مسجد به وسیله بازار و میدان اصلی موجب نظم گرفتن سازمان فضایی می‌شد (حبیبی ۱۳۹۰، ۴۷-۴۶). بخش ربض یا سواد هم شامل روستاها و سکونتگاه‌های کشاورزان و گاه پیشه‌وران بود که پس از مدتی به شکل بخش توسعه‌یافته شارستان درآمد (فریورصدی ۱۳۸۰، ۶۱۸). قرن چهارم هجری مصادف با اوج دگرگونی‌ها و تجدید حیات علمی و ادبی در ایران با به قدرت رسیدن حکومت محلی زیاریان در شمال ایران به مرکزیت ری و گرگان و تشکیل حکومت شیعی آل بویه است. بازگشت و احیای مجدد مراسم کهن ایرانی در چارچوب ایدئولوژی مذهب شیعه در برابر خلافت مقتدر عباسی، تحولی کلی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آورد. از سویی دیگر سامانیان در بخش‌های ماوراءالنهر انقلاب فرهنگی دیگری به راه انداختند که موجب تبدیل شهر به مکانی متعلق به تمامی اقشار و طبقات اجتماعی شد. رونق انجمن‌های صنفی و پیچیدگی فعالیت‌های دامنه‌دار به همراه توسعه تجارت و شکوفایی اقتصادی، از دستاوردهای این دوره به شمار می‌آید (حبیبی ۱۳۹۰، ۶۸-۷۱). همانطور که اشاره شد، این





ایرانی - اسلامی (نقی‌زاده و همکاران ۱۳۸۹) بهره گرفته است. چرا که فرهنگ اسلامی با شعار برابری، برادری و تحرک عمودی و افقی، باعث پویایی جامعه شهری و پویایی مردم در جامعه شهری گردید؛ به نحوی که میان مفهوم شهر و فرهنگ اسلامی در ابتدای امر روابط نزدیکی برقرار گردید و در شهر اولین دولت اسلامی تشکیل شد. فرهنگ اسلامی برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل بود. از این‌رو، همه دستورات و قوانین به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده؛ ساخت شهرها را تحت تأثیر قرار داد و به مورفولوژی آن‌ها هویت ویژه‌ای بخشید که با شهرهای دیگر نواحی دنیا متفاوت است (شکویی ۱۳۷۴، ۱۸۸). تأثیر این فرهنگ در ساخت فضایی شهر را می‌توان در دو مقوله ۱. تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه سازماندهی آن، و ۲. تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مورد بررسی قرار داد؛ که مقوله‌ی اول همواره ناشی از عناصری چون مسجد جامع، بازار، مساجد محله‌ای، مدارس، خانقاه، مقابر، حسینیه و تکیه‌ها، نوع مذهب، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تأسیسات خیریه می‌باشد که شغل، مکان، بافت و کارکردهای فضای شهری متأثر از آن‌هاست؛ و نیز در مورد مقوله دوم می‌توان بر اصولی چون اصل باحجابی، اصل درون‌گرایی، اصل سادگی، اصل خودکفایی، اصل تطابق با محیط، اصل نهی از منکر، اصل توجه به خانواده (سلطان‌زاده ۱۳۶۲، ۴۲) اشاره کرد. بنابراین با ورود اسلام به ایران و تزریق فرهنگ مذهبی در ابعاد گوناگون زندگی ایرانی، شهر ایرانی رنگ و بویی تازه به خود می‌گیرد. قبل از اسلامی شدن ایران، این شهرها دیگر آن رنگ و بوی دموکراتیک اولیه را نداشتند و تقسیم اجتماع به طبقه‌بندی‌های عمودی، تأثیرات نامناسبی را بر شهرنشینان گذاشته بود. روح تازه اسلامیت با شعار برابری، برادری و عدالت، در شهر ایرانی دمیده شد تا از این پس فصل جدیدی در تاریخ ایران با نام شهرهای ایرانی - اسلامی، یا همان اسلام‌شهرهای ایران گشوده شود و دو نوع تأثیر عمده را بر شهر ایرانی برجای گذارد: ۱. تغییر رفتار شهرنشینی مردم، و ۲. تحول صورت ظاهری شهرها. این تأثیرات را می‌توان حاصل رویکرد نوین اسلام به سطوح و لایه‌های مختلف شهر از مدیریت آن تا خانواده و جامعیت و

بازرگانی نیز می‌پرداختند. از آنجا که دولت در شهرها مستقر می‌شد و خزانه دولت سرشار از درآمدهای مالیاتی و اخذ عوارض زمین بود؛ شهرهای زیادی بر مبنای سلطه سازمان اجتماعی حاکم‌بنیان نهاده شدند. آسیب جدی این نوع سازمان‌یابی شهرها، اختلافات فرهنگی، مذهبی و قومی است که در جامعه عصر سلجوقی به خوبی قابل ملاحظه است. از سویی دیگر بهره‌گیری از نظام اعطای اقطاع در سیاست‌های فئودالی حاکمان سلجوقی، زمینه‌ساز رونق اقتصادی شهرهای ایران و تغییر در ترکیب اجتماعی سرزمین‌های تحت سلطه آنان شد؛ ولی در درازمدت موجب بروز انحصارگرایی و فساد مالی در دستگاه دیوانی و لشکری گردید. زیرا با تحمیل خراج‌های سنگین بر طبقه دهقانان توسط سپاهیان سلجوقی و تأمین بخش وسیعی از هزینه‌های نظامی و دربار از راه زمین‌داری، بر مشکلات استفاده از روش مالکیت تیول افزود و زمینه‌ساز شکاف طبقاتی عمیق‌تری در جامعه سلجوقیان شد (لمبتون ۱۳۷۷، ۱۲۰-۱۲۲). بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهرهای این دوره، به‌گونه‌ای بازگشت به شهرسازی دوران ساسانی را به خاطر می‌آورد. زیرا تشدید نابرابری‌های اجتماعی که بر اثر توزیع ناعادلانه ثروت و انباشتن آن در خزائن دربار و عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی بود؛ موجب شکل‌گیری سلسله‌مراتب فضایی در بافت شهری نیز شده است. محلات شهری بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی طبقه‌بندی شده‌اند و دارای مسجد، مدرسه، بازار، حمام و گورستان هستند. به‌طور کلی شاخص کالبدی شهر دوره سلجوقی عبارت از یک میدان اصلی و بزرگ است (اغلب در میانه شهر) که در پیرامون کاخ‌ها و مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد. دهانه بازار به این میدان باز می‌شده و به زیرشاخه فرعی در سطح شهر گسترش می‌یابد (حبیبی ۱۳۹۰، ۷۶-۷۷؛ نقوی ۱۳۸۹). می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ معماری و شهرسازی ایران در دوره اسلامی از تأثیرات دین اسلام، عرف‌ها و آداب و رسوم ایرانی، ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی ایران و دستاوردها و محصولات بومی در معماری و شهرسازی





الوهیت برنامه‌های این فرهنگ بیان نمود.

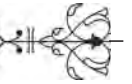
مدرنیسم و تأثیرات آن بر شهر ایرانی - اسلامی

شهرهای اسلامی در دوره‌های اوایل عصر میانه و شهرنشینی زیاد یعنی در فاصله قرن‌های ۹ تا ۱۳ میلادی شکل گرفتند. این دوره را می‌توان زمان آغاز هویت‌یابی شهرهای اسلامی به عنوان شهرهایی با ویژگی‌های متفاوت از شهرهای غربی دانست. در این دوران تمایزی که بین ساختار و محتوای شهرهای اروپایی و شهرهای واقع در سرزمین‌های اسلامی بود؛ هویت جدیدی به شهرهای اسلامی داد. این هویت جدید تحت تأثیر مستقیم قوانین و عناصر دین اسلام بود. این قوانین و عناصر عبارت است از قرآن، حدیث، اجماع و قیاس. شهرهای اسلامی از هر نوعی که باشند

-چه به عنوان شهر اسلامی تأسیس شده باشند و چه به عنوان شهر غیر اسلامی بوده و بعد از حوادث تاریخی به عنوان شهر اسلامی معرفی شده و تحت تأثیر دین اسلام قرار گرفته باشند- نشان‌دهنده حاکمیت دین اسلام هستند (متولی و شیخ‌اعظمی ۱۳۹۲). شهرهای ایرانی، در دوره‌های اولیه ورود اسلام به این قلمرو به همان شکل اولیه (کهن دژ، شارستان و ریض) به حیات خود ادامه می‌دادند تا اینکه اسلام به تدریج ویژگی‌های خود را بر این شهرها دیکته کرد (مشهدیزاده دهقانی ۱۳۷۳، ۲۴۵). این تمدن و فرهنگ به دو روش تولید عناصر جدید در شهر و تکامل و تغییر عناصر قدیمی، شهرهای ایرانی را دستخوش تحول کرد و به نوعی آنها را تبدیل به شهرهای ایرانی-اسلامی نمود. این تغییر در پنج مرحله شهرنشینی تحت عنوان سبک خراسان؛ قرن اول تا چهارم اسلامی (۶۰۰ تا ۹۵۰ م.)؛ سبک رازی؛ قرن چهارم تا هفتم اسلامی (۹۵۰ تا ۱۲۰۰ م.)؛ سبک آذری؛ قرن هفتم تا یازدهم اسلامی (۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ م.)؛ سبک اصفهان؛ قرن یازدهم تا سیزدهم (۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ م.)؛ مکتب تهران؛ قرن سیزده تا چهارده اسلامی (۱۷۵۰ تا ۱۹۰۰ م.) میلادی صورت پذیرفت (حبیبی ۱۳۹۰). در فاصله چهار قرن ابتدایی، تعارض بین دیدگاه اسلامی و دیدگاه غالب موجود در ایران قبل از اسلام نسبت به فضاهای شهری، عناصر زیادی

مانند میدان، بازار، محله، دسترسی و آب‌انبارها را آن گونه که تمایل هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها نبود؛ در شهرهای ایرانی جای داد. در این دوران، چگونگی قرارگیری این عناصر بیشتر از خود این عناصر مهم بود. در ادامه سیر تحول شهرهای ایرانی-اسلامی اولین باری که اندیشه کنترل رشد شهرها به وجود آمد؛ در دوران حاکمیت سبک رازی در ایران (فاصله سال‌ها ۹۵۰ تا ۱۲۰۰ میلادی و قرون ۴ تا ۷ اسلامی) بود. دولت‌ها تلاش می‌کردند تا این کار را از طریق انتقال حق مالکیت‌ها از مردم به خود انجام دهند که موفق نبودند. در دوره سوم تحول شهرهای ایرانی-اسلامی، حمله مغولان موجب زوال این شهرها شد؛ اما اوج ساخت بناهای یادمانی در این دوران بود. دوره چهارم تحول شهرهای ایرانی-اسلامی همزمان با دولت صفویه بود که اوج پویایی شهرهای ایرانی-اسلامی است. دیدگاه شهر-منطقه، چهارباغ و میدان‌های چندکارکردی در این دوران به شهرهای اسلامی-ایرانی اضافه شد. دوره پنجم تحول شهرهای ایرانی اسلامی نیز دوره نفوذ فرهنگ مدرنیسم در این شهرهاست. در این دوره بود که محله‌ها، که در دوره چهارم نشانه وحدت و همبستگی بودند؛ به مکانی برای طبقه‌بندی تفاوت‌های اجتماعی و محلی تبدیل شدند و در مجموع نقش تمام عناصر شهری از همبستگی و اجتماعی بودن و ساکن بودن، به عبوری بودن و تفکیک تغییر کرده‌اند (متولی و شیخ‌اعظمی ۱۳۹۲). در توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایران-اسلامی قبل از مدرنیسم ساخت هر شهر از یک سو نمایانگر هماهنگی فضایی کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است (سلطان‌زاده ۱۳۶۷، ۲۹۰) و ساختار فضایی آن ترکیبی است از آنچه که در اصطلاح حیات و مامت گفته می‌شود. این عناصر عبارتند از ۱. دروازه و بارو، ۲. ارگ، ۳. میدان، ۴. بازار، ۵. محله مسکونی، ۶. مسجد جامع، ۷. مرکز محله و ۸. واحدهای مسکونی (همان: ۲۹۲؛ پوراحمد و همکاران ۱۳۹۰) که در نوع خود گویای نوعی شهرسازی ملهم از اندیشه‌های اعتقادی و بومی است. اما با شروع سلسله پهلوی و ورود





کوشش‌های محققان برای غلبه بر نارسایی‌ها و تعارضات پژوهش‌ها در علوم اجتماعی است. بازبینی و مرور نظام‌مند پژوهش‌های کاربردی حوزه شهر ایرانی- اسلامی نشان می‌دهد؛ دستیابی به دقت و تمرکز علمی، نیازمند مطالعاتی از قبیل فراتحلیل می‌باشد. اهمیت این موضوع از آنجاست که در مورد هویت ملی ما ایرانیان، به سبب تداخل فرهنگی و در گذر زمان، می‌توان از تأثیرات سه نوع هویت فرهنگ و تمدن ایران شهری، فرهنگ و تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدن غربی با هم سخن به میان آورد که سؤالات بسیاری در باب چیستی، ماهیت و ویژگی‌های آن مطرح بوده است؛ و نظام‌های علمی گوناگون، از زوایای مختلف بدان پرداخته و تلاش در تبیین و تشریح آن داشته‌اند که نشانگر حجم بالایی از سوءتعبیرها و آشفتگی‌ها درباره این انگاره و مفاهیم، موضوعات و اهداف مرتبط با آن است. از سویی دیگر با ورود اندیشه‌های ناشناخته در قالب مدرنیسم در فرهنگ و ادب ایرانی علاوه بر نمود ذهنی، نمود عینی خود را در کالبد شهرهای ایرانی با معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی وارد نمود است که به طریقی تمام عناصر کالبدی موجود شهر ایرانی اسلامی در حال از دست دادن هویت خود هستند و فرهنگ و برنامه‌ریزی غربی تأثیر بسزایی بر روی این عناصر ایجاد کرده که باعث دور شدن از هویت خود و نیز از دست دادن انسجام و پایداری شهری که در خود داشتند می‌باشند. ناپایداری که از آن به اسم پیشرفت و تجدد نام برده و روزبه‌روز بر دامنه تقلیدمان نیز افزوده شده است. لذا؛ شخصیت و هویت شهر ایرانی- اسلامی در مقطعی از حیات خود بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه تقلیدهای بی‌اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن شهرسازی- که در بیش‌تر موارد با هویت اصیل ایرانی- اسلامی ناسازگار هستند- کمرنگ شده است؛ که لازمه بهره‌برداری صحیح از آن‌ها، استخراج رهیافت‌های لازم برای مسائل معاصر شهرها و همچنین شالوده‌افکنی مبانی نظری جامع شهر ایرانی- اسلامی، نگاه منتقدانه و آسیب‌شناسانه مطالعات مرتبط به این مطالعات می‌باشد. در راستای این هدف، لازم است در ابتدا مهمترین مؤلفه‌های مطالعات شهر ایرانی اسلامی استخراج

مدرنیسم، روش‌ها و الگوهای اروپایی در ایران اجرا شد و به‌طور معمول مدرنیسم بین حوادث اروپایی و کنش‌های ایرانی، در طراحی شهری، تأخیر ایجاد کرد. طبق گزارش‌ها و منابع، با ورود مدرنیسم، کنش‌های ایرانی طراحی شهری تخریب و بین بخش‌های زیادی از شهرهای ایرانی شکاف ایجاد شد. ورود وسایل نقلیه، جاده‌های شهر را متراکم ساخت و نیاز به سرعت بالا، مسیرها و خیابان‌هایی را در شهر ایجاد کرد که مسیرهای مستقیم و جدا از هم را ایجاد می‌کردند. این روش و روش‌های هندسی، جاده‌های مستقیم، چهارراه‌ها و جاده‌های دایره‌ای شکلی را به‌وجود آورد. بازکردن خیابان‌های جدید بین مراکز محله‌ها، زندگی در محله‌های سنتی را کاهش داد و به فرایند مهاجرت به حومه شهرها شتاب بخشید (متولی و شیخ‌اعظمی ۱۳۹۲). به همین دلیل این نوع رویدادها در فضای شهری ایران، روابط درونی بین محله‌ها، مردم و ساختار و نظام محله‌ای به سبک قدیم ماهیت خود را از دست داد و محلات نه بر معیارهای قومی- نژادی، بلکه بر اساس اقتصاد و طبقات اجتماعی نمایان شدند (یزدانی و پوراحمد ۱۳۸۶) و از سویی باعث تغییر هویت میدان‌ها و تغییر فرم فضایی بازار شد. بنابراین می‌توان گفت که در شهر ایرانی- اسلامی قبل از مدرنیسم، رعایت کلیه اصول زندگی بومی مورد توجه بوده است؛ و در واقع شهر ایرانی اسلامی، شکل تبلور یافته فرهنگ محیط خود است. تطابق فرم و محتوا، زمینه هم‌زیستی پایدار و رفاه شهروندی را در شهر ایرانی اسلامی فراهم نموده و هویت نمود بازار آن است. اما تأثیرات نفوذ مدرنیسم باعث دگرگونی و بهم‌ریزی تطابق فرم و محتوای شهر ایرانی اسلامی می‌گردد. این دگرگونی هویتی بیگانه و ناشناخته است که بدون شناخت در بافت خود به طور ناقص و ناتمام پیاده می‌شود و منجر به اغتشاش در مورفولوژی، بافت و شکل و ساختار فضایی شهر ایرانی اسلامی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این مقاله در چارچوب فراتحلیل با بررسی ۹۲ مقاله علمی- پژوهشی به بررسی و تحلیل مطالعاتی در زمینه شهر ایرانی- اسلامی پرداخته است. این روش یکی از برترین





مردم در شهر ایرانی - اسلامی توجه ویژه می‌شود، لذا؛ بدون توجه به این سه مؤلفه نمی‌توان تحلیل جامعی از شهر ارائه داد. از این رو به نظر می‌رسد الگوی تحلیلی شهر ایرانی اسلامی، بایستی بر هر سه مؤلفه تأکید و تمرکز داشته باشند. با توجه به این مهم نیز پژوهشگران شهر ایرانی اسلامی نیز در پژوهش‌های خود پیوسته سعی کرده‌اند که این سه مؤلفه یا حداقل موردی از آن‌ها را در پژوهش‌های خود مدنظر قرار دهند که جدول ۴ نیز بیانگر این موضوع است. به همین جهت شایسته است که محققین موردنظر هر سه این مؤلفه‌ها را به صورت توأم در پژوهش‌های خود مورد تأکید قرار دهند؛ چرا که در الگوی مطلوب شهر ایرانی اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی انسان، مورد توجه است و ساختار شهر بر اساس این نیازها ساختار می‌یابد. نکته قابل ذکر، مغفول ماندن جایگاه محوری انسان و استیلای نگاه کالبدی و کارکردی کاربرهای شهری بر فضای زیست انسانی است که در اکثر پژوهش‌های شهر ایرانی اسلامی دیده می‌شود. بنابراین لازم است که نظریه‌های شهری شهر ایرانی اسلامی به دنبال احیای مجدد این گم‌شده باشند. این درحالی است که در الگوی شهر اسلامی، با تأکید بر محوریت انسان مسلمان و تمرکز بر فضای اسلامی زیست‌گاه او، همه این گم‌گشته‌ها همواره مورد عنایت بوده است؛ و لذا پس از توجه به این موارد است که می‌توان ادعا کرد که الگوی شهر ایرانی اسلامی برای شرایط امروز شهرنشینی، مدل جامعی ارائه می‌کند.

و شناسایی شوند که علاوه بر پرهیز از دوباره‌کاری، بتوان با ترسیم توانایی‌ها و کاستی‌های پژوهش‌ها، افق‌های پژوهشی جدیدی را به روی پژوهشگران گشود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی از قبیل معنا و مفهوم شهر ایرانی - اسلامی؛ ویژگی‌های تاریخی سازمان فضایی حیات شهری شهر ایرانی اسلامی؛ اصول، قواعد و الگوهای شهر ایرانی اسلامی؛ هویت شهر ایرانی اسلامی؛ فضای شهری شهر ایرانی اسلامی؛ تأثیر تحولات اجتماعی - فرهنگی در شکل‌بندی و ساختار فضایی شهر ایرانی - اسلامی؛ تأثیرات مدرنیسم بر شهر ایرانی اسلامی؛ وقف و عناصر کالبدی شهر ایرانی - اسلامی از قبیل: محله، مسجد، میدان و بازار، مهمترین مؤلفه‌هایی هستند که مورد توجه اکثر پژوهشگران شهر ایرانی اسلامی واقع شده‌اند. آنچه که از نتایج این تحقیقات حاصل می‌شود در ادامه آورده شده است.

از آنجا که شهر اسلامی به واسطه سه مؤلفه، انسان «مسلمان»، فضای اجتماعی «فضای مسلمانی» و فضای کالبدی «سیما اسلامی» به صفت اسلامی بودن متصف است (بیات ۱۳۹۳)؛ بنابراین لازم است در هر نوع نظریه‌پردازی درباره شهر ایرانی اسلامی نیز به این سه عنصر توجه شود؛ چرا که شهر ایرانی - اسلامی، شهری است که توسط مؤمنان و با توجه به جهان‌بینی توحیدی آنان ساخته می‌شود و در آن به مضامین جنبه‌های کالبدی (ارتباط اسلامی با عالم) و جنبه‌های رفتاری (اخلاق و رفتار اسلامی) در جهت برآوردن نیازهای معنوی، جسمی و روحی

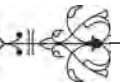
جدول ۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های شهر ایرانی - اسلامی مورد تأکید پژوهشگران شهر ایرانی - اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

مؤلفه‌های شهر ایرانی اسلامی	مؤمنی	نقی‌زاده	نقره‌کار	حمزه‌نژاد	بماتیان	یوسفی‌فر	منصوری	پوراحمد	زیاری
انسان مسلمان	*	*	*	*	*	*	*	*	*
کالبد و سیما اسلامی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
فضای اجتماعی اسلامی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نگاه جامع‌نگرانه	***	***	***	**	*	*	*	*	*

شهرهای ایرانی اسلامی پرداخته است؛ اینست که استواری مفاهیم پنهان و آشکار شهر ایرانی - اسلامی، بر دو مدار

نکته‌ای دیگر با توجه به اینکه این پژوهش با نگاهی کلی به اشتراکات محتوایی و معنایی به وجود آمده در ساختار





درون‌گرا در قالب کنش‌های فردی و جمعی در فضاهای شهر ایرانی- اسلامی نیز شده است. همچنین باید این نکته را مدنظر قرار داد که شهر ایرانی- اسلامی زیستاری است چندمؤلفه‌ای که ویژگی‌های سرزمینی، سازه‌ها و فضای کالبدی ساکنان، شهروندان، نهادهای اجتماعی، روابط و مناسبات شهروندی و هنجارهای نهادینه از آن شمار شده است؛ و به عبارتی مظاهر تمدن ملی و اسلامی در آن نمود دارد؛ و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است که ویژگی‌های آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشأت گرفته است. از این‌روست که شهرسازی ایرانی پس از قرن‌ها تجربه در ساخت شهرها در پهنه امپراطوری عظیم خود وقتی با سپاه اسلام مواجه شد که در خود مفاهیم والایی از مدنیت و انسانیت را به همراه دارد؛ موجب آن‌چنان تأثیراتی در مبانی شهرسازی ایرانی می‌شود که باعث افزودن واژه اسلامی به مکتب شهرسازی ایرانی گردید و از آن به بعد شهرسازی ایرانی با عنوان شهرسازی ایرانی- اسلامی شناخته شد.

معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی فضایی و یا دو ساخت عینی و ذهنی مرتبط با زندگی فردی و اجتماعی در تفکر ایرانی- اسلامی می‌باشد که از حیث مفاهیم ماهوی (معرفت‌شناسانه)، این شهر دارای مفاهیمی حصولی است که همواره خود را با بوم و ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه‌ای خود سازگار نموده؛ و در عین حال، انطباقی هوشمندانه با شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی هر منطقه از کشور برقرار کرده است. همچنین در این شهر، فعالیت‌ها و کارکردهای آن در پیوندی آشکار با فضاها و کالبدهای مورد نظر بوده و ساختار شهر به گونه‌ای است که تمام اندام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را چون نخ تسبیحی حول محور یا مراکزی خاص گرد آورده و سازمان فضایی توأم با وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را شکل بخشیده است. از سویی مفاهیم وجودی (هستی‌شناسانه) شهر ایرانی- اسلامی، برخلاف مفاهیم ماهوی، مبتنی بر اصالت وجودی ثابت و لایتغیر و متکی بر حضور ذهن در فضا است. این امر علاوه بر آنکه موجب قالبی درون‌گرا در تیپولوژی فضایی شهر ایرانی- اسلامی گردیده؛ موجبات تیپولوژی

پیوست ۱

منابعی که در فراتحلیل مورد مطالعه قرار گرفته اند.

۱. ابراهیمی، محمدحسن. ۱۳۸۸. میدان؛ فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی. هویت شهر. ۳(۴): ۱۰۷-۱۲۰.
۲. اشرف، احمد. ۱۳۵۳. ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران- دوره اسلامی. نامه علوم/اجتماعی. (۴): ۷-۴۸.
۳. اشرف، احمد. ۱۳۶۰. تداوم برخی از ویژگی‌های تاریخی زندگی شهری در ایران. آرش. (۲۶): ۱۳۲-۱۵۵.
۴. اعظمی، هادی، مرتضی رضوی‌نژاد، و علی رضایی‌مقدم. ۱۳۹۳. مقایسه تطبیقی پراکنش فضایی مساجد با توجه به مؤلفه‌های شهر اسلامی (مناطق ۵ و ۱۱ شهرداری مشهد، شهر پایدار). شهرپایدار. (۱): ۱۱۰-۱۳۴.
۵. اکبری، پرویز و البرز داوودی. ۱۳۹۴. نقش پیاده‌مداری بر بهبود هویت رفتاری شهروندان در فضای شهر اسلامی (مطالعه موردی: خیابان فردوسی سنج). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۲۰): ۵۹-۴۹.
۶. امیرفخریان، مصطفی، محمدرحیم رهنما، و محمد اجزاءشکوهی. ۱۳۹۳. شخصی‌سازی فضا در شهر مشهد و تقابل آن با الگوی انسجام فضایی در شهر اسلامی. پژوهش‌نامه خراسان بزرگ. (۱۵): ۶۰-۴۱.
۷. امیرفخریان، مصطفی، محمدرحیم رهنما، احمد پوراحمد، و محمد اجزاءشکوهی. ۱۳۹۴. بررسی انسجام درونی محله‌های شهری در شهرهای اسلامی و تقابل آن با پروژه‌های نوسازی شهری: محله عامل‌شهر مشهد. جغرافیا و توسعه فضای شهری. (۱): ۱۲۵-۱۴۳.
۸. امین‌زاده، بهناز. ۱۳۷۸. حسینه‌ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی. هنرهای زیبا. (۶): ۵۵-۶۶.
۹. انصاری، ابراهیم. ۱۳۸۱. جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی). (۱): ۱۵-۲۶.
۱۰. ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی‌اورامانی. ۱۳۹۰. تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۵): ۱۵-۵.
۱۱. باستانی‌راد، حسن. ۱۳۹۱. کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. (۶): ۱۰:

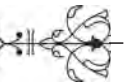




۳۰-۱

۱۲. بحری مقدم، عباس و شهرام یوسفی فر. ۱۳۹۲. عوامل اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی-اسلامی و کارکردهای آن. *تاریخ و تمدن اسلامی*. ۱۱۶-۱۰۱: (۱۷)۹.
۱۳. بریمانی، فرامرز و علی شعاع‌برآبادی. ۱۳۸۸. بافت قدیم شهرها جلوه فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی، مورد: بافت قدیم شهر خواف. *جغرافیا و توسعه*. ۱۱۲-۸۹: (۱۵)۷.
۱۴. بلالی اسکویی، آریتا، محمدعلی کی‌نژاد، و عبدالحمید نقره کار. ۱۳۸۹. طرح فرضی «ربع» و «شهرستان» رشیدی. *صفه*. ۲۰: (۵۰)۵۱-۷۶.
۱۵. بمانیان، محمدرضا. ۱۳۹۳. معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها. *شهر پایدار*. ۱(۱): ۶۹-۸۸.
۱۶. بهزادفر، مصطفی و نوشین رضوانی. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی (موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان). *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۳(۶): ۱-۱۹.
۱۷. پوراحمد، احمد، امین فرجی‌ملایی، ایوب منوچهری، و آزاده عظیمی. ۱۳۹۰. تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی- کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه تهران). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۲(۶): ۶۱-۴۷.
۱۸. پوراحمد، احمد، ایوب منوچهری میان‌دوآب، حسین رفیعی مهر، و عارف آقاصفری. ۱۳۹۲. بررسی نقش وقف در توسعه و ساماندهی فضایی شهرها (مطالعه موردی: شهر لالجین). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۱(۱۲): ۵-۱۴.
۱۹. پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر. ۱۳۹۱. الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۱(۱۰): ۱۵-۲۴.
۲۰. تقوی، عابد. ۱۳۸۹. بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران اسلامی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. ۴(۳): ۶-۲۰.
۲۱. توسلی، محمود. ۱۳۷۴. فضای معماری و شهر ایرانی در برابر غرب، *نشریه هنرهای زیبا*، ۱(۱): ۳۷-۵۱.
۲۲. جابر، دانش و امیر طیبی. ۱۳۹۰. کیفیت حضور در میداين شهری با تأکید بر نمونه‌های سنتی ایران. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۱(۴): ۷۱-۸۰.
۲۳. چرب‌گو، نصیبه. ۱۳۹۱. اصل کلیت به عنوان چارچوب طراحی شهر ایرانی- اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۳(۱۰): ۶۱-۷۰.
۲۴. چنگیزی، نگار و رضا احمدیان. ۱۳۹۲. بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۳(۱۱): ۵۳-۶۳.
۲۵. حاتمی‌نژاد، حسین. ۱۳۹۳. دگردیسی شهرهای جهان اسلام در فرآیند جهانی‌سازی مطالعه تطبیقی شهرهای ایرانی اسلامی و عربی اسلامی. *شهر پایدار*. ۱(۱): ۸۹-۱۰۹.
۲۶. حبیبی، کیومرث، مجید یوسفی نوید، و کمال محمدی. ۱۳۹۴. نقش قنوات در هویت‌بخشی به شهرهای ایرانی- اسلامی؛ مورد مطالعه شهر همدان. *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. ۶(۲۳): ۱۶۹-۱۸۴.
۲۷. حبیبی، کیومرث و الهام روحانی‌چولائی. ۱۳۹۴. ارزیابی کیفی تغییر عناصر شهرکهن ایرانی به شهر مدرن در جهت احیای مکان‌های شهری با هویت ایرانی- اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۴(۲۱): ۵-۱۸.
۲۸. حسینی، سیدهاشم. ۱۳۸۷. بررسی عوامل اعتلا و توسعه شهر مقدس مشهد طی دوره صفوی. *جستارهای تاریخی (فرهنگ) (ویژه تاریخ)*. ۳(۳): ۹۳-۱۱۶.
۲۹. حکیم، بسیم‌سلیم. ۱۳۸۱. *شهرهای عربی- اسلامی- اصول شهرسازی و ساختمانی*، ترجمه: محمد ح ملک‌احمدی، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۳۰. حمزه نژاد، مهدی و فرزاد زرین‌قلم. ۱۳۹۱. الگویابی تشخیص عناصر مذهبی در شهر مزارهای ایران. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*. ۲(۲): ۲۰۱-۲۱۶.
۳۱. حمزه‌نژاد، مهدی، مریم ربانی، و طاهره ترابی. ۱۳۹۴. نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران. *نقش جهان*. ۵(۱): ۴۳-۵۷.
۳۲. خاک‌زند، مهدی و کوروش آقابزرگی. ۱۳۹۳. سنجش مؤلفه‌های کیفیت فضای شهری با مقایسه تطبیقی رویکرد ایرانی- اسلامی و غربی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۱(۲): ۱۳۱-۱۴۵.
۳۳. خالدیان، ستار، حسن کریمیان، احمد پوراحمد، و حامد مظاهریان. ۱۳۹۳. تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری





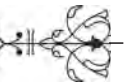
۳۴. ایران. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۱۷): ۵-۱۸.
۳۴. دانشپور، عبدالهادی و الهام شیری. ۱۳۹۴. عناصر کالبدی کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی. نقش جهان. (۱/۵): ۱۷-۲۵.
۳۵. رجبی، آریتا و افشین سفاهن. ۱۳۸۸. بازارهای ایرانی تجسم اندیشه های پایدار. جغرافیا. (۱۱/۳): ۱۱۳-۱۲۷.
۳۶. رضوی، ابوالفضل. ۱۳۹۲. نگرشی بر حیات شهری در ایران دوره اسلامی (از آغاز اسلام تا قرن هفتم ه.ق). مجله پژوهش های تاریخی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (۹/۵۳): ۳۴-۱۰۵.
۳۷. رضوی پور، مریم سادات، محمدمهدی ذاکری، و احسان اجباری. ۱۳۹۱. هویت ایرانی اسلامی شهر تهران در گذر زمان. مطالعات ملی. (۵۱/۳): ۱۴۸-۱۳۳.
۳۸. زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۰. ساختار کالبدی - فضایی شهر همدان از آغاز دوره ی اسلامی تا پایان دوره ی قاجار براساس مدارک و شواهد موجود. پژوهش های باستان شناسی ایران. (۱/۱): ۵۷-۸۲.
۳۹. زیاری، کرامت اله. ۱۳۸۲. تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی). مجله جغرافیا و توسعه. (۲/۱): ۹۵-۱۰۸.
۴۰. زیاری، کرامت اله، امیر شریفی، رضا زیاری، و سمیه زیاری. ۱۳۹۳. بررسی تطبیقی میان مکاتب و الگوهای شهرسازی از دوره اسلامی تاکنون در ایران. شهر پایدار. (۱/۱): ۱-۲۰.
۴۱. سرائی، محمدحسین. ۱۳۸۹. تحولات بازارهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی بازار یزد). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۲): ۲۵-۳۷.
۴۲. سلسله، علی و محسن سلسله. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر. آرمان شهر. (۲/۲): ۴۷-۵۸.
۴۳. سلطانی، لیلا، علی زنگی آبادی، و مهین نسترن. ۱۳۹۰. برنامه ریزی شهری در جهت ارتقای هویت ایرانی اسلامی زنان با تأکید بر نقش محله های شهری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۴): ۲۲-۳۶.
۴۴. سلطانی فرد، هادی؛ حسین حاتم نژاد، مصطفی عباس زادگان و احمد پوراحمد. ۱۳۹۲. تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی اسلامی، مورد: شهر سبزوار. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۱۴): ۱۳-۲۱.
۴۵. شاه حسینی، پروانه. ۱۳۷۵. وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره های قاجار و پهلوی. تحقیقات جغرافیایی. (۴۲): ۱۱۷-۱۳۳.
۴۶. شاه حسینی، پروانه. ۱۳۷۷. ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی. تحقیقات جغرافیایی. (۴۸): ۱۱۹-۱۱۱.
۴۷. شمعی، علی. ۱۳۸۹. نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۱): ۹۳-۱۰۵.
۴۸. شمس، مجید، علی صفاری راد، و احمد قاسمی. ۱۳۹۴. تأثیرات جهانی شدن بر ساختار کالبدی شهرهای اسلامی (کلانشهر اصفهان). برنامه ریزی منطقه ای. (۱۷/۵): ۱۰۹-۱۲۳.
۴۹. شهبایی، سیدمحمد رضا. ۱۳۸۳. مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل گیری فضاهای شهری. تحقیقات جغرافیایی. (۶۲): ۱۳۵-۱۵۰.
۵۰. ضرغامی، اسماعیل. ۱۳۸۹. اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی - اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۲): ۱۰۳-۱۱۵.
۵۱. طبیبیان، منوچهر، نصیبه چربگو، و انیسه عبدالهی مهر. ۱۳۹۰. بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی. آرمان شهر. (۷/۴): ۶۳-۷۶.
۵۲. عباس زاده، شهاب و حمید گوهری. ۱۳۹۳. فضاهای معنامحور و میدانی اجتماعی در شهرسازی اسلامی رکن گمشده (فضاهای تعاملی) در کلان شهرهای ایرانی اسلامی امروز، شهر پایدار. (۱/۱): ۱۶۴-۱۹۱.
۵۳. عسکری، محسن و آرش بغدادی. ۱۳۹۴. آسیب شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۲۰/۵): ۳۷-۴۸.
۵۴. علیتاجر، سعید، مهرداد کریمی مشاور، و مینا حاجیان. ۱۳۹۴. مقایسه تطبیقی عملکرد خیابان های پیاده محور با هدف تقویت زندگی جمعی در شهر اسلامی - ایرانی. نقش جهان. (۳/۵): ۸۰-۸۸.
۵۵. عمادی، زهره. (۱۳۷۷). حضور مسجد در بازار تهران. صفا. (۲۶/۹): ۷۴-۸۲.
۵۶. عیوضی، محمد رحیم، ناصر براتی، احمد پوراحمد، و عین اله کشاورز ترک. ۱۳۹۴. طراحی الگوی فرایندی نظام برنامه ریزی فرهنگی شده در شهر اسلامی - ایرانی با رویکرد آینده پژوهی. شهر ایرانی اسلامی. (۲۰): ۵-۱۵.
۵۷. غلامی، سعید، ابوالفضل مشکینی، و اسماعیل دوبران. ۱۳۹۴. طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر





- ایرانی - اسلامی (محلّه شهدای شهر زنجان). هویت شهر. ۹/۲۲: ۴۱-۵۲.
۵۸. کلانتری خلیل آباد، حسین، سیداحمد صالحی، و قهرمان رستمی. ۱۳۸۹. نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی، مطالعه موردی شهر اصفهان. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱): ۳۳-۴۳.
۵۹. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، مهدی حقی، و محسن دادخواه. ۱۳۹۳. مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی. *نقش جهان*. (۱): ۱۷-۲۶.
۶۰. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، حسین مبینی، و مهدی حقی. ۱۳۹۳. میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱۷): ۳۵-۴۳.
۶۱. کمیلی، محمد، کرامت‌اله زیاری، احمد پوراحمد، و حسین حاتمی‌نژاد. ۱۳۹۲. بررسی تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت فضاهای شهری. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*. (۸): ۷-۳۱.
۶۲. کیانی، الهه‌سادات و مهدی باباعباسی. ۱۳۹۴. بررسی اصول و قواعد حاکم بر ساختار شهری شهرهای اسلامی به منظور دست یافتن و آفرینش آرمان شهر ایرانی اسلامی. *نقش جهان*. (۱): ۵۹-۷۴.
۶۳. گودرزی‌سروش، محمدمهدی، بهناز امین‌زاده گوهرریزی، و محمد نقی‌زاده. ۱۳۹۱. تجلی اندیشه اسلامی در شهر با حضور مدرسه در محلّه. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۷): ۹۹-۱۰۸.
۶۴. لطیفی، غلامرضا و ندا صفرچابک. ۱۳۹۲. بازآفرینی مفهوم محلّه در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی. *مطالعات شهری*. (۸): ۳-۱۲.
۶۵. متولی، صدرالدین و علی شیخ‌اعظمی. ۱۳۹۲. سیر تحول فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی - اسلامی؛ قبل از مدرنیسم تا پست‌مدرن. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱۴): ۵۱-۶۲.
۶۶. مثنوی، محمدرضا و فریبا وحیدزادگان. ۱۳۹۳. بازآفرینی نظام مفهوم و معنای طراحی باغ ایرانی در باغشهر ایرانی - اسلامی از طریق رویکرد باغ‌های تماتیک (موضوعی). *نقش جهان*. (۴): ۲۷-۳۵.
۶۷. مختاری‌ملک‌آبادی، رضا. ۱۳۹۲. بررسی تحلیلی - تطبیقی نمادهای هویت بخش شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *جغرافیا و مطالعات محیطی*. (۸): ۱۱۵-۱۳۶.
۶۸. مختاری‌ملک‌آبادی، رضا، نفیسه مرصوصی، اسماعیل‌علی‌اکبری و داود امینی. ۱۳۹۴. تبیین معیارهای بومی‌سازی شاخص‌های مکانی فضای شهر خلاق با رویکرد ایرانی اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۲۲): ۲۳-۳۹.
۶۹. مشکینی، ابوالفضل و علی رضایی‌مقدم. ۱۳۹۳. بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی - ایرانی. *شهرپایدار*. (۱): ۳۷-۶۸.
۷۰. مشکینی، ابوالفضل، مهدی حمزه‌نژاد، و اکرم قاسمی. ۱۳۹۴. تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقق‌سنجی چهار اصل مسجدمحوری، محلّه‌محوری، درون‌گرایی و طبیعت‌گرایی در شهر ایرانی اسلامی. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. (۸): ۱۸-۳۵.
۷۱. منصور، علی. ۱۳۸۹. حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی، نمونه: پژوهش میدانی بافت قدیم شهر شیراز. *مسکن و محیط روستا*. (۱۳۰): ۳۸-۴۹.
۷۲. منصورنژاد، محمد. ۱۳۸۳. تأملی در نگاه دکتر جواد طباطبایی به هویت ایرانی در تعامل با هویت اسلامی و غربی. *مطالعات ملی*. (۴): ۳۰-۹.
۷۳. منصوری، سیدامیر. ۱۳۹۲. سازمان‌فضایی در شهر اسلامی ایران. *هنر و تمدن شرق*. (۱): ۵۱-۶۲.
۷۴. منصوری، سیدامیر. ۱۳۸۶. دو دوره سازمان‌فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام (با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان). *باغ نظر*. (۷): ۵۰-۶۰.
۷۵. موحد، علی، علی شمعی، و ابوالفضل زنگانه. ۱۳۹۱. بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. (۵): ۳۷-۵۱.
۷۶. مهرافزون، محمد و رضوان داریش. ۱۳۹۲. تبیین نقش خدمات وقف در توسعه شهر اصفهان. *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*. (۱۵): ۹۹-۱۲۸.
۷۷. مؤمنی، مصطفی. ۱۳۶۵. ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی اقتصادی و کالبدی دوره‌ی آغازین شهر دولت‌آباد ملایر. *تحقیقات جغرافیایی*. (۲): ۱۱-۵۹.
۷۸. مؤمنی، مصطفی. ۱۳۷۸. نظری بر شهرشناسی جغرافیایی شهرهای ایرانی. *نمایه پژوهش*. (۹-۱۰): ۲۸-۴۸.





۷۹. نثاری، بنت‌الهدی، ابراهیم مرادی، بهزاد وثیق و زینب صالحی. ۱۳۹۴. تأثیر بناهای آرامگاهی مذهبی در شکل‌گیری شهرهای ایران دوره اسلامی نمونه موردی: نقش امامزاده علی‌الصالح (ع) در شکل‌گیری شهر صالح‌آباد (استان ایلام). باغ نظر. ۱۳(۳۸): ۳۱-۳۸.
۸۰. نژادستاری، سعیده. ۱۳۹۰. نقش میدان‌های شهری و بررسی عواقب ناشی از تنزل جایگاه آن در شهرهای امروز با تأکید بر شهرهای ایرانی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۳): ۵۷-۷۰.
۸۱. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۸ ب. مقدمه‌ای بر روش‌های احیاء شهر اسلامی در توسعه‌های شهری معاصر. *نامه فرهنگستان علوم*. (۱۲-۱۳): ۳۱-۶۵.
۸۲. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۱. تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی. *کتاب ماه هنر*. (۱۷۰): ۳۸-۵۴.
۸۳. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲ ب. فضاهای شهری و عمومی در شهرهای ایرانی. *کتاب ماه هنر*. (۱۸۶): ۴-۱۰.
۸۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۰. جهان‌بینی اسلامی توسعه پایدار و شهرهای بیابانی ایران. *محیط‌شناسی*. ۲۷(۲۷): ۶۱-۷۷.
۸۵. نقی‌زاده، محمد، بهادر زمانی، و اسلام کرمی. ۱۳۸۹. ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی. *نشریه هویت شهر*. (۷/۵): ۶۱-۷۴.
۸۶. نقی‌زاده، محمد، عمید الاسلام ثقه الاسلامی، و سعید بشیری. ۱۳۹۲. فرایند طراحی فضای شهری بر مبنای اصول زیباشناختی ایرانی-اسلامی (میدان وحدت اسلامی تهران). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱۱): ۴۱-۵۱.
۸۷. وحیدزادگان، فریبا، هما ایرانی‌بهبهانی، و محمدحسن طالبیان. ۱۳۹۲. ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی- فرهنگی آرامستان‌های اسلامی ایران (تخت فولاد اصفهان). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱۱): ۷۳-۷۸.
۸۸. هدایت، محمود. ۱۳۷۵. تحلیل مقایسه‌ای از ویژگی‌های شهرهای اسلامی جنوب شرقی اتحاد جماهیر شوروی سابق و شهرهای سنتی ایران. *ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*. (۸): ۸۳-۱۱۲.
۸۹. همتی، شهاب‌الدین، حسین ذبیحی، و محسن کاملی. ۱۳۹۲. تحلیلی بر نقش حیاط مساجد در شهرهای اسلامی به عنوان فضای شهری؛ مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه (س) قم. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. (۱۴): ۴۳-۵۰.
۹۰. یزدانی، محمدحسن و احمد پوراحمد. ۱۳۸۶. تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی- اسلامی، نمونه: تبریز. *تحقیقات جغرافیایی*. (۱/۲۲): ۲۹-۵۲.
۹۱. یوسفی‌فر، شهرام و سیدمحمدحسین محمدی. ۱۳۸۸. تأثیر مناسبات اجتماعی در شکل‌بندی کالبدی شهر ایرانی- اسلامی بر اساس رویکرد نمونه‌وار به شهر ری در عصر سلجوقی. *پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ*. (۱/۱): ۱۷۵-۲۰۴.
۹۲. یوسفی‌فر، شهرام. ۱۳۸۴. تأملاتی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران. *جستارهای تاریخی (فرهنگ)* (ویژه تاریخ). (۱/۱۸): ۲۱۷-۲۶۱.

منابع

۱. اکبری، بهمن. ۱۳۸۷. بحران هویت و هویت دینی، *فصلنامه پیک‌نور*. (۴/۶): ۲۱۹-۲۳۱.
۲. اکبری، حسین، آرش قهرمان، و محمد مظهري. ۱۳۹۱. فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه رضایت از سفر، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. (۴/۳): ۲۷-۴۴.
۳. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. ۱۳۷۵. جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه سید حمید طیبیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. بحرینی، سیدحسین و گلناز تاج‌بخش. ۱۳۸۰. مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، *نشریه هنرهای زیبا*. (۶): ۱۸-۳۱.
۵. براتی، ناصر. ۱۳۸۵. چالش‌های رودروی شهرسازی در ایران در آستانه قرن ۲۱. *مجله باغ نظر*. (۶/۳): ۲۹-۵.
۶. بمانیان، محمدرضا، محمدرضا پورجعفر، فریال احمدی، و علیرضا صادقی. ۱۳۸۹. بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی، *فصلنامه شیعه‌شناسی*. (۳۰/۸): ۳۷-۷۰.
۷. بولت، ریچارد هنری. ۱۳۶۴. *گرایش به اسلام در قرون میانه*، مترجم: محمدحسین وقار، تهران: تاریخ ایران.
۸. بیات، بهرام. ۱۳۹۳. رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی. *فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان* (۱/۴): ۱۳۷-۱۶۷.
۹. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی. ۱۳۸۹. ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. *شهر ایرانی اسلامی*. (۲/۱): ۱-۱۱.
۱۰. پوراحمد، احمد. ۱۳۹۳. ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام. *ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر*

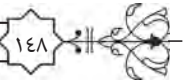




مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد.

۱۱. جنیدی، فریدون. ۱۳۸۶. زندگی و مهاجرت آرائیان، چاپ چهارم، تهران: نشر بلخ.
۱۲. حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۹۰. شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. حبیبی، سیدمحسن، مهدی تحصیلا، و نوید پورمحمدزاد. ۱۳۹۰. شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی. مسکن و محیط روستا. ۳۰(۱۳۵): ۳-۲۲.
۱۴. حسینی‌زاده، سعیده و سیدعلی میرنژاد. ۱۳۹۴. تبیین جایگاه مسجد جامع یزد در ایجاد حس مکان و هویت به فضای کالبدی شهر. مطالعات ملی. ۱۶(۱): ۱۲۷-۱۴۹.
۱۵. خدایی، زهرا و علی‌اکبر تقوایی. ۱۳۹۰. شخصیت‌شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۴(۱۰۳-۱۱۳).
۱۶. خلعتبری، اللهیار و عباس پرتوی‌مقدم. (۱۳۸۹). ویژگی‌های تاریخی و مؤلفه‌های جامعه شهری ایران در اواخر دوره ساسانیان. تاریخ ایران. شماره ۵، ۴۹-۷۰.
۱۷. دانش، جعفر. ۱۳۸۹. مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱(۱): ۱۵-۳۱.
۱۸. دلاور، علی. ۱۳۸۷. روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات پیام نور.
۱۹. راوندی، مرتضی. ۱۳۶۴. تاریخ اجتماعی ایران: حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز. تهران: نشر مولف.
۲۰. زبیری، کرامت‌اله، احمد پوراحمد، حسین حاتمی‌نژاد، و بهزاد عمران‌زاده. ۱۳۹۳ الف. بررسی آسیب‌شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران). ۱۲(۴۲): ۷-۲۴.
۲۱. سجاذزاده، حسن و سیده‌الهام موسوی. ۱۳۹۳. ابعاد چيستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱۶(۱): ۵-۱۷.
۲۲. سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۶۲. روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. تهران: نشر آگاه.
۲۳. سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۶۷. مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران، ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. شکویی، حسین. ۱۳۷۴. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. فرجام، رسول، هادی سلیمانی‌مقدم، و اسماعیل چاوشی. ۱۳۹۰. مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی. برنامه‌ریزی منطقه‌ای. ۲۷(۲): ۲۷-۴۰.
۲۶. فریورصدری، بهرام. ۱۳۸۷. بافت و ساختار شهرهای سنتی ایران، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران.
۲۷. فکوهی، ناصر. ۱۳۸۷. انسان‌شناسی شهری. تهران: نی.
۲۸. فلاملکی، محمدمنصور. ۱۳۶۶. شکل‌گیری شهرهای ایران، ترجمه کیانی. سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. فلیک، ا. ۱۳۹۰. درآمدی بر روش تحقیق کیفی، مترجم: جلیلی. تهران: نشر نی.
۳۰. کوچکخوشنویس، احمد. ۱۳۸۵. دولت شهر آرمانی ایرانی مفهوم فضای شهری ایران. باغ نظر. ۳(۶): ۱-۴.
۳۱. کیوان، مهدی. ۱۳۷۹. «اصناف»، در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۷۲.
۳۲. لمبتون، کاترین سینفورد. ۱۳۷۷. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۳۳. مشهدی‌زاده‌دهاقانی، ناصر. ۱۳۷۳. تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. دانشگاه علم و صنعت.
۳۴. مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۹۱. ضوابط و شاخص‌های لازم جهت بازسازی و معماری اسلامی-ایرانی، معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی.
۳۵. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۳۶. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. هنرهای زیبا. ۴(۵): ۴۷-۶۱.
۳۷. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۸ الف. رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، هنرهای زیبا. ۷(۷): ۷۹-۹۱.
۳۸. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۹. صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم. صحیفه مبین. ۲(۵): ۴-۴۰.
۳۹. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی، نشر مانی، تهران.
۴۰. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۹. تأملی در چيستی‌شناسی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱(۱): ۱-۱۴.





۴۱. نقی زاده، محمد. ۱۳۹۲ الف، الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی. *فیروزه اسلام*. (۱)۱: ۳۳-۵۲.
۴۲. نقی زاده، محمد. ۱۳۹۴. آموزه های قرآنی و شهر آرمانی اسلام. *پژوهش های معماری اسلامی*. (۸)۳: ۴۶-۶۷.

References

1. Akbari, Bahman. 2008. Crisis of Identity and Religious Identity. *Quarterly of Payk-e-Noor* 6(4):219-231.
2. Akbari, Hossein, Arash Ghahreman, and Mohammad Mazhari. 2012. Meta-Analysis of Research done in the field of satisfaction of Travel. *Journal of Iranian Social Studies* 6(3-4):27-44.
3. Babich, B. 2003. From Fleck's Denkstil to Kuhn's Paradigm: Conceptual Schemas and Incommensurability, *International Studies in the Philosophy of Science*, Vol.17, No.1. 45.
4. Bahraini, seyed hossein, and Golnaz Tajbakhsh. 1999. The concept of Territory in urban Spaces and The role of urban design in the realization of its own. *Honar-ha-ye-Ziba* 6(0):18-31.
5. Barati, Nasser. 2006. The Challenges facing urban development in Iran on the sill of the 21st century. *Bagh-e Nazar* 3(6):5-29.
6. Bartold, Vasily Vladimirovich. 1996. *The place surrounding areas of Caspian Sea in history of Islam world*. Translated by Haimid Tabibian. Tehran: Human Science and Cultural Studies Institute.
7. Bayat, Bahram. 2014. Islam's approach to the city; the characteristics of Islamic city. *Social theories of Muslim thinkers* 4(1): 137-167.
8. Bemanian, Mohammad Reza, Mohammad Reza Pourjafar, Faryal Ahmadi, and Ali Reza Sadeghi. 2010. A review of spiritual identity and sacred suppositions in the architecture of Shiia's mosques. *Quarterly of Shiite studies* 8(30):37-70.
9. Bolt, Richard Henry. 1985. *Conversion to Islam in the middle Ages*. Translator: Mohmmad Hossein wagher. Tehran: Tarikh-e Iran.
10. Danesh, Jaber, and Amir Tayebi. 2011. The quality of presence in urban squares with an Emphasis on Iranian traditional samples. *Studies on Iranian-Islamic city* 1(4):71-80.
11. Delavar, Ali. 2008. *Research Methods in Psychology and Educational Sciences*. Payam-e-Noor Publication.
12. Falamaleki, Mohammad Mansour. 1987. *The Formation of Iranian Cities*. Translation Kiani. Culture and Islamic Guidance Organization.
13. Farjam, Rassoul, Hadi Soleimani M, and Esmaeil Chavoshi. 2011. The social Concept of city from the sight of Islamic texts and teaching. *Zonal Planning* 1(2): 27-40.
14. Flick, Uwe. 2012. *Introduction to Qualitative Research Methods*. Translator: Jalili: Tehran. Nai Publishing.
15. Fokohi, naser. 2008. *Urban Anthropology*, Ney publication.
16. Frewer Sadri, bahram. 2008. The texture and structure of traditional Iranian cities, *2nd Congress of Architecture and Urbanism history of Iran, Publication of Cultural Heritage organization: Tehran*.
17. Habibi, Seyed Mohsen, Mahdi Tahsildar, and Nawid Pour mohammadreza. 2011. Description of the principles and the rules of Indigenous urban planning in relation with urban contemporary Theories. *Housing and Rural Environment* 30(135):3-22.
18. Habibi, Seyed Mohsen. 2011. *Shar to City*. Tehran: Tehrran University Publication.
19. Hosseinizadeh, Saeedeh, and Seyed Ali Mirnezhad. 2015. Explaining the role of Jame mosque of Yazd in creating a sense of place and identity to urban physical space. *National studies* 16(1):127-149.
20. Iran's Supreme council for planning and Architecture. 2012. *Criteria and Indicators needed for Identity Retrieval of Islamic-Iranian Architecture and Urban development, planning and architecture department of the ministry of Roads and urban development*. 2014
21. Joneidi, Fereidoun. 2007. *Life and Emigrating of Araeyan. 4th vol*. Tehran: Balkh Publication.
22. Keyvan, mehdi. 2000. *Guilds'in Great Islamic Encyclopedia*. Foundation of the Great Islamic Encyclopedia. p 272.
23. Khalatbari, allahyar and Abbas Partovi Moghadam. 2010. Historical Characteristics and Elements of Urban Society of Iran in the late period of Sassanid. *Iran History* 65(5).
24. Khodae, Zahra, and Ali Akbar Taghvaei. 2011. The character of Islamic city: with an Emphasize on physical Dimensions of Islamic city. *Journal of studies on Iranian-Islamic city* 2(5):103-113.
25. Kochak Khoshnevis, Ahmad. 2006. Iranian concept of the ideal city government urban space. *Bagh-e Nazar* 3(6):5-29
26. Lambton, Catherine Senford, 1998. *Owner and Farmer in Iran*. Translation by Manouchehr Amiri. Tehran: publication science and culture.
27. Mashhadizade Dehaghani, Naser. 1994. *An analytic of the characteristics of urban planning in Iran*. University of Science and industry.
28. Naghizadeh, Mohammad. 2013. Pattern, Foundation, Pillar, Characteristic and Principles of Islamic city. *Firooze Islam* 1(1):33-52.
29. Naghizadeh, Mohammad. 1998. Attributes Islamic city in the Islamic texts. *Honar-Ha-Ye-Ziba* (4-5):47-61.
30. Naghizadeh, Mohammad. 1999. Relation Identity "Iranian architecture tradition" with "Modernism" and "modernity".

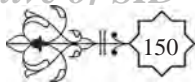




Honar-Ha-Ye-Ziba (7):79-91.

31. Naghizadeh, Mohammad. 2000. Characteristics of Islamic city in Holy Quran. *Sahifey-e Mubin* 2(5):4-40.
32. Naghizadeh, Mohammad. 2008. *City and Islamic Architecture*, Mani Publication, Tehran.
33. Naghizadeh, Mohammad. 2010. A Reflection in the Quiddity of the Islamic city. *Journal of studies on Iranian-Islamic city* 1(1):1-14.
34. Naghizadeh, Mohammad. 2015. The "Quranic Teaching" and "Ideal Islamic City" *Islamic Architecture Research* 3(8):46-67.
35. Noghreh Kar, Abdolhamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture*, Ministry of Housing and Urban Development, Office of Architecture and Urban Design. Tehran: Company of Design and Publishing Sima message.
36. Pourahmad, Ahmad, and Sirus Mousavi. 2010. The Social Nature of Islamic city. *Journal of studies on Iranian-Islamic city* 1(2):1-11.
37. Pourahmad, Ahmad, Making city space in Iran before and after Islam. *6th National Conference on Urban Planning and Management with Emphasis on the Elements of Islamic city*. Mashhad.
38. Ravandi, Morteza. *Social History of Iran: Economic life of Iranian People from the beginning up today*. Tehran: Moalef Publishing.
39. Sajadzadeh, Hasan, and Seyed Elham Mousavi. 2014. Dimension the nature of science (cheste shenase) and ontology Islamic city from the perspective of Islam texts. *Journal of studies on Iranian-Islamic city* 4(16):5-17.
40. Shakoei, Hossein. 1995. *New perspectives in urban Geography*. Tehran: Samt Publication.
41. Soltanzadeh, Hossein. 1983. *The Process of formation of the city and Religious Center in Iran*. Tehran: Negah Publication.
42. Soltanzadeh, Hossein. 1988. *Introduction to the History of Urbanization in Iran. Vol 2*. Tehran: Amir Kabir Publication.
43. Wolf, F. 1986. *Meta-analysis: Quantitative methods for research synthesis*, Beverly Hills CA: Sage.
44. Ziari, Keramatallah, Ahmad pourahmad, Hossein Hataminejad, and Behzad Omranzadeh. 2014. A pathological review of the ruling objections on Islamic city studies. *Geographical society of Iran* 12(42):7-24.





The Qualitative Meta-Analysis of Scientific Articles about the Iranian-Islamic City

Abolfazl Meshkini *

Associate Professor of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Tehran, Iran

Hassan Behnammorshedi **

PhD Student of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University

Mohsen Mohammadi ***

PhD Student of Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University

Received: 26/04/2017

Accepted: 14/12/2019

Abstract

It is more than one century that the issue of Islamic city and then the Iranian-Islamic city has been noticed systematically and scientifically by the researchers and scholars. The study of the Iranian-Islamic city has been in the intersection of different kinds of scientific systems so that a large number of researchers including geographers, architects, historians, linguists, orientalists, urbanization experts, Islamists, urban planners and etc. have studied the issue of the Iranian-Islamic city and its characteristics. Due to the large number of these researchers, it is essential to categorize these studies to perceive the main trend in this field and also to recognize the concerned research vacuities. One of the main problems in this field is the large and basic discrepancy and disagreement in the studies. It is necessary to do the pathology of Islamic city studies in general and the Iranian-Islamic city studies specifically. These circumstances have caused ambiguity and confusion for the researchers and sometimes have made the conception and comprehension of the Iranian-Islamic city issue difficult. Most of the basic questions about the Iranian-Islamic city issue have been unanswered and subsequently there has been no substantial procedure in this issue. Therefore, it is of much significance to have a comprehensive approach toward the Iranian-Islamic city studies. Making a recent and original foundation in this field is not possible without the comprehensive analyses in the past studies and recognizing the strengths and weaknesses of them. Delavar believes that any researcher who intends to develop a specific science should first identify and study the previous studies carefully (Delavar, 2008, 97-99); Whereas the issue of the Iranian-Islamic city has been noticed by many professors and students in recent years, according to the large number of the articles, theses, and dissertations about this issue, this research has been assigned to study the scientific articles on the Iranian-Islamic city.

The main question of this research is the diagnostic study of doing the scientific researches about the Iranian-Islamic city, analytical conclusion, and suitable approaches. The main object of this research is the meta-analysis of the Iranian-Islamic city issue to conclude and categorize the latest findings of the scientific researches about this issue. The method of doing this research is meta-analysis. The systematic review and evaluation of practical researches in the field of the Iranian-Islamic city indicates that to achieve the scientific attention and concentration, such meta-analyses are essential. Therefore, in this study, ninety-two articles on the Iranian-Islamic city issue from



1974 to 2016 have been recognized through these scientific databases: Noor Specialized Magazines Website, Scientific Information Database, Magiran Information Database, Comprehensive Portal of Humanities and Cultural Studies. The information domain of this research is the articles that studied one or more factors of the Iranian-Islamic city issue specifically. Hence the specified factors were divided into two categories of nature and existence. In the nature dimension the fundamental and identifying attributes were surveyed and in the existence dimension the manifestation of existential factors and personal and public functions (SajadZadeh & Mosavi, 2014; Babich, 2003) of the Iranian-Islamic city were emphasized. The method of sampling in this research is to count the whole available samples. This matter is significant because the national identity of Iranian due to the cultural overlapping has been influenced by three kinds of civilizations including: Persian cultural identity, Islamic cultural identity and western cultural identity. Many questions have been propounded about the nature and existence of the Iranian identity and its attributes and different scientific systems have surveyed it from different points of view and have attempted to explain it so that it is the reflection of misinterpretations and disarrangements about this fact and different topics and goals relating to it. On the other hand, by the advent of obscure thoughts of modernism in Iranian culture and literature not only its conceptual demonstration but also the concrete demonstration of the modernism has been entered in the Iranian-Islamic architecture and urbanization so that the fundamental elements of the present Iranian-Islamic city are losing their identity. Moreover, the western culture and planning has affected these elements and has caused them to lose their identity and urban coherence and stability. This instability is called development and modernity and is increasing day by day. Therefore, the nature and identity of the Iranian-Islamic city has faded because of the economic, social, and cultural evolutions and the unthinking impressions of the western symbols and the modern urbanization patterns. To apply them correctly the necessary approaches for the contemporary issues of the cities and also making the foundation of the comprehensive theories of the Iranian-Islamic city, the critical and pathological point of view of these studies are needed. Accordingly, in this research the most important factors of the Iranian-Islamic city studies are the meaning and conception of the Iranian-Islamic city; the identity of the Iranian-Islamic city; the historical features of spatial organization of the Iranian-Islamic city; the principals and patterns of the Iranian-Islamic city; the identity of the Iranian-Islamic city; the urban space of the Iranian-Islamic city; the social-cultural revolutions in the spatial formation and structure of the Iranian-Islamic city; the impacts of modernism on the Iranian-Islamic city; devotion, and finally the fundamental elements of the Iranian-Islamic city such as neighborhood, mosque, square, and bazaar.

Keywords: Iranian-Islamic City, Iranian City, Islamic City, Qualitative Meta-Analysis, Scientific Articles.

